

در ایران نیز براساس مواد برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی و مفاد سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، توجه خاصی به مفهوم و راه‌های ارتقای رقابت‌پذیری کشور مبذول شده است. در مطالعه حاضر، ارزیابی مقایسه‌ای از موقعیت فعلی رقابت‌پذیری ایران در بین کشورهای سند چشم‌انداز با استفاده از گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۱ مجمع جهانی اقتصاد صورت پذیرفته است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد جایگاه فعلی ایران در زمینه رقابت‌پذیری بین کشورهای منطقه چندان مناسب نیست و دستیابی به رتبه نخست منطقه متضمن تلاش و پیگیری‌های مستمر و روزافزون است. ناکارایی بازارهای مختلف به‌ویژه بازار نیروی کار و بازار مالی، در کنار کوچکی بازار، مؤلفه‌های دانش و استفاده اندک از فرایندهای نوین تولیدی، از جمله موانع ایران به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی: رقابت‌پذیری، نهادها، کارایی، چشم‌انداز ۲۰۲۵

ارزیابی چالش‌ها و فرصت‌های قدرت رقابت‌پذیری ایران در مقایسه با کشورهای منطقه در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله

ابوالفضل شاه‌آبادی

عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان
shahabadia@gmail.com

حامد صادقی

دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا همدان
hamedsadeghiz@yahoo.com

مقدمه

براساس مطالعات تجربی و نظریه‌های اقتصادی می‌توان گفت تجارت خارجی از دیرباز در رشد و توسعه کشورها تأثیرگذار بوده و پیشرفت دانش بشری در کنار تکامل ابزارهای تولید و شتاب‌بخشی به سرمایه‌گذاری خارجی به منظور کشف و نفوذ در بازارهای جدید، اهمیت این موضوع را پررنگ‌تر کرده است. به همین دلیل است که در جهان امروز سیاست‌های تجاری و راهبردهای توسعه ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و تجارت و رشد و توسعه اقتصادی درهم تنیده شده‌اند. اغلب کشورها سعی دارند با گسترش حجم و نیز تنوع‌بخشی به کالاهای و محصولات تولیدی خود با هدف صادرات آن‌ها، ضمن ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و بهبود وضعیت تراز تجاری، قدرت چانه‌زنی بالاتری در سطح بین‌المللی به دست آورند. اما امروزه کشورهایی می‌توانند در عرصه تجارت جهانی حضوری مستمر و فعال داشته باشند که از توان رقابتی بالاتری برخوردار بوده و قدرت رقابت‌پذیری آن‌ها از سایر کشورها بیشتر باشد. به علاوه، دیگر امکان حمایت‌های کنترل‌نشده و بی‌حد و اندازه از تولیدات داخلی وجود ندارد و لازمه ادامه حیات بنگاه‌های تولیدی رقابت با سایر بنگاه‌ها به‌ویژه در فضای اقتصاد باز است. به همین دلیل در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به ارتباط بین تجارت و رقابت‌پذیری شده است.

تاکنون تعاریف مختلفی از رقابت‌پذیری ارائه شده که هر کدام به لحاظ این که در سطح خرد (بنگاه) یا کلان (ملی) بوده‌اند، به جنبه‌های خاصی از رقابت‌پذیری اشاره می‌کنند. رقابت‌پذیری در سطح خرد مفهومی آشکار دارد و از این منظر عنوان می‌شود بنگاهی که بتواند محصولاتی تولید کرده یا خدماتی ارائه دهد که قیمت تمام‌شده کمتر و کیفیت بالاتری در مقایسه با رقبای داخلی و خارجی داشته باشد، قدرت رقابت‌پذیری بیشتری دارد. اما در سطح کلان وضعیت فرق می‌کند و از دیدگاه ملی رقابت‌پذیری نسبت به سایر ابعاد چالش‌برانگیزتر است. در بُعد کلان، رقابت‌پذیری هر کشور بیانگر نحوه استفاده آن کشور از ظرفیت‌های بالقوه‌اش در راستای ارتقای سطح استانداردهای زندگی شهروندانش است و قدرت رقابت‌پذیری بالاتر یک کشور موجب تضعیف قدرت سایر کشورها نمی‌شود. در این سطح، مجمع جهانی اقتصاد (WEF)^۱ رقابت‌پذیری را به صورت مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و متغیرهای تعیین‌کننده سطح بهره‌وری یک کشور تعریف می‌کند که سطح بهره‌وری نیز به نوبه خود به صورت مجموعه‌ای از سطوح رفاه اقتصادی دست‌یافتنی که هر کشور می‌تواند به آن برسد، در نظر گرفته می‌شود. در گزارش‌های سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD)^۲ عنوان می‌شود سطحی از تولید کالا و کشور که در شرایط بازار آزاد بتواند تقاضای بازارهای جهانی را جذب کرده و سطوح مختلف این تقاضا را برآورده کند و در عین حال بتواند از این طریق درآمد واقعی شهروندان را در بلندمدت افزایش دهد، بیانگر سطح رقابت‌پذیری آن کشور است. همایش توسعه و تجارت سازمان ملل متحد (UNCTAD)^۳ واضح‌ترین نگرش به رقابت‌پذیری را از مقایسه عملکرد اقتصاد کلان و استانداردهای زندگی شهروندان براساس بهره‌وری عوامل تولید مطرح می‌کند و قدرت رقابت‌پذیری را در توانایی کشورها در فروش محصولاتشان در بازارهای جهانی می‌داند. از نظر مؤسسه مدیریت توسعه (IMD)^۴ رقابت‌پذیری ملی حاصل اجتماع ساده بنگاه‌های انفرادی رقابت‌پذیر نیست، بلکه نتیجه عوامل متعددی مانند نحوه هدایت اقتصاد توسط دولت، سیاست‌های اجتماعی و ساختار ایجاد ارزش افزوده است.

از جمله شاخص‌هایی که در سطح کلان برای رقابت‌پذیری می‌توان نام برد، شاخص‌های رقابت‌پذیری گزارش‌های نهادهای بین‌المللی اقتصادی همچون مجمع جهانی اقتصاد، سازمان مدیریت توسعه و سازمان توسعه و همکارهای اقتصادی است. در میان این گزارش‌ها نیز گزارش رقابت‌پذیری جهانی^۵ که هر ساله توسط مجمع جهانی اقتصاد مطرح می‌شود، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از سال ۲۰۰۵ به بعد نیز این مجمع تحلیل‌های رقابت‌پذیری خود را بر مبنای شاخص رقابت‌پذیری جهانی^۶ با طیف وسیعی از شاخص‌های سنجش رقابت‌پذیری ملی که بسیاری از ارکان اصلی خرد و کلان اثرگذار بر رقابت‌پذیری ملی را دربردارد، انجام می‌دهد. این شاخص امروزه ۱۲ مؤلفه شامل: نهادهای زیرساخت‌ها، اوضاع کلان اقتصادی، بهداشت و آموزش ابتدایی (تحت عنوان مؤلفه‌های عوامل محور)، سطوح آموزش عالی، کارایی بازار کالا، کارایی بازار نیروی کار، توسعه بازار مالی، آمادگی فناوریانه، اندازه بازار (تحت عنوان مؤلفه‌های کارایی محور)، تکامل شرایط تجاری و نوآوری (تحت عنوان مؤلفه‌های نوآوری محور) را دربرمی‌گیرد.

در ایران نیز مفهوم رقابت‌پذیری و عوامل مؤثر بر ارتقای آن در سال‌های اخیر مورد توجه بوده و در تصمیم‌گیری‌ها سعی شده است برای دستیابی به آن برنامه‌ریزی شود. این مطلب را می‌توان به‌روشنی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی و همچنین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله مشاهده کرد، به‌گونه‌ای که در برنامه چهارم یک فصل به بحث رقابت‌پذیری اقتصاد اختصاص داده شده است. در این فصل از برنامه چهارم، دولت موظف شده است از طریق فراهم کردن نظام‌های قانونی و حقوقی، زمینه‌سازی برای حضور تشکلهای غیردولتی صنفی و تخصصی، حمایت از تولید کالاها و خدمات نوین و با فناوری بالا و توسعه خدمات بازرگانی، فنی، مالی، بانکی و بیمه‌ای، شرایط را برای کاهش انحصار، تحکیم و تقویت رقابت‌پذیری، افزایش بهره‌وری و بهبود فضای کسب و کار فراهم کند. (مواد ۳۷ تا ۴۲ قانون برنامه چهارم توسعه)

در برنامه پنجم توسعه نیز گرچه فصل مستقلی به رقابت‌پذیری اختصاص نیافته است، ولی همچنان در مواد مختلف تکالیفی برای دولت در جهت افزایش رقابت بین فعالان اقتصادی و کاهش زمینه‌های انحصار تعیین شده است که از آن جمله می‌توان به مواد ۸۰، ۸۴، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۴۴، ۱۵۰ و ۱۵۸ اشاره کرد. (قانون برنامه پنجم توسعه)

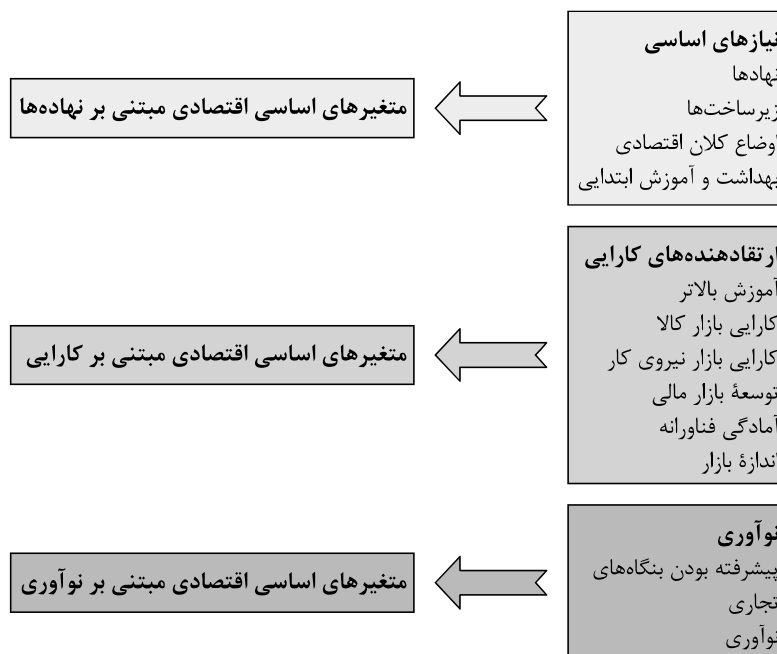
براساس سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نیز ایران باید در افق سال ۱۴۰۴ به رتبه نخست اقتصادی در منطقه نائل شود، برای همین رقابت‌پذیری اهمیتی دوچندان دارد، چراکه نیل به این مهم بدون افزایش توان رقابت محصولات داخلی با نمونه‌های مشابه خارجی ممکن نیست. درواقع، در سند چشم‌انداز که دربردارنده سیاست‌ها، اولویت‌ها و باید‌ها و نبایدهای نظام جمهوری اسلامی ایران در تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است، موضوع رقابت‌پذیری مغفول نمانده است.

با توجه به اهمیت تجارت خارجی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها از یک‌سو و نقش انکارناپذیر رقابت‌پذیری در گسترش تجارت از سوی دیگر، شناخت مفهوم و جایگاه رقابت‌پذیری کشورها امری ضروری به نظر می‌رسد. از طرفی، از آنجایی که یکی از اهداف اصلی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، تبدیل ایران به قدرت اول منطقه در زمینه‌های اقتصادی، فنی و علمی است، برای همین بررسی وضعیت موجود و ارزیابی جایگاه اقتصادی کشور در میان سایر کشورهای منطقه در جهت تعیین نقاط ضعف و قوت عملکرد و برنامه‌ها تا افق ۱۴۰۴ بسیار راهگشا خواهد بود. در این بین از جمله شاخص‌های اقتصادی که باید مورد ارزیابی قرار گرفته و جایگاه ایران در بین کشورهای منطقه تبیین شود، شاخص رقابت‌پذیری است. در این مطالعه سعی می‌شود براساس گزارش اخیر رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۱، جایگاه رقابت‌پذیری ایران و سایر کشورهای منطقه^۷ مشخص شود. نتایج و یافته‌های این پژوهش چون از طرفی به‌صورت مقایسه‌ای بین کشورهای منطقه است و از سوی دیگر، بسیاری از عوامل اثرگذار بر قدرت رقابت‌پذیری را مدنظر قرار داده است، می‌تواند مبنای مناسبی برای ارزیابی وضعیت رقابت‌پذیری ایران در بین کشورهای منطقه در چارچوب سند چشم‌انداز و در طول برنامه‌های توسعه آتی کشور در اختیار نهادها و مسئولان تصمیم‌گیر و سیاستگذار قرار دهد. درواقع، در این مطالعه به دنبال بررسی این سؤال هستیم که آیا ایران از نظر شاخص رقابت‌پذیری در بین کشورهای منطقه وضعیت مناسبی دارد؟ و چالش‌ها و فرصت‌های ایران در مسیر رسیدن به توان رقابتی بالاتر چیست؟ به این منظور ابتدا سعی می‌شود وضعیت مؤلفه‌های

مؤثر بر رقابت‌پذیری در بین کشورهای سند چشم‌انداز مورد ارزیابی قرار گرفته و موقعیت این کشورها در مقایسه با یکدیگر بررسی می‌شود. سپس چالش‌ها و فرصت‌های اقتصاد ایران در راستای افزایش قدرت رقابت‌پذیری معرفی شده و وضعیت مطلوب تبیین شود. در نهایت نیز ضمن جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، راهکارهای عملی برای ارتقای جایگاه رقابت‌پذیری ایران در بین کشورهای منطقه در جهت نیل به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور در طول برنامه‌های توسعه آتی ارائه شوند.

مبانی نظری و تعریف متغیرها

از دیرباز در ادبیات اقتصادی و نظریه‌های مکاتب مختلف، تجارت خارجی به‌عنوان یکی از موتورهای رشد و توسعه اقتصادی کشورها مطرح بوده است. ولی در دهه‌های اخیر و بنابر نظریه آرتور لوئیس، تحولات فنی موتور محرک رشد اقتصادی کشورهاست و تجارت خارجی نقش روغن این موتور را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، داشتن قدرت تجاری بالا بدون وجود دانش فنی و تحولات فناورانه امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، بحث رقابت‌پذیری در گسترش تجارت خارجی نقشی غیرقابل انکار دارد و امروزه به یکی از موضوعات محوری اقتصادی در سطح دنیا تبدیل شده است و از آن به‌عنوان ابزاری در جهت رسیدن به رشد و توسعه پایدار یاد می‌شود. برای مقایسه وضعیت رقابت‌پذیری کشورها در سطح کلان می‌توان به گزارش‌های مرتبط با رقابت‌پذیری ارائه‌شده توسط مجامع بین‌المللی که آمار کشورهای مختلف در آنها جمع‌آوری شده است، مراجعه کرد. از جمله این گزارش‌ها می‌توان به گزارش رقابت‌پذیری جهانی منتشرشده توسط مجمع جهانی اقتصاد اشاره کرد. این گزارش‌ها که از ۳۰ سال پیش تاکنون به‌صورت سالانه منتشر شده‌اند، رقابت‌پذیری را به‌صورت مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و متغیرهای تعیین‌کننده سطح بهره‌وری یک کشور تعریف می‌کنند. سطح بهره‌وری نیز به‌صورت مجموعه‌ای از سطوح رفاه اقتصادی دست‌یافتنی که هر کشور می‌تواند به آن برسد، تعریف می‌شود. در این گزارش‌ها بسیاری از متغیرهایی را که اقتصادهای ملی را قادر به دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و شکوفایی بلندمدت می‌کنند، مورد آزمون قرار می‌دهند. ولی از سال ۲۰۰۵ به بعد مجمع جهانی اقتصاد تحلیل‌های رقابت‌پذیری خود را بر مبنای شاخص رقابت‌پذیری جهانی با طیف وسیعی از شاخص‌های سنجش رقابت‌پذیری ملی که بسیاری از ارکان اصلی خرد و کلان اثرگذار بر رقابت‌پذیری ملی را دربردارد، قرار داده است که دسته‌بندی این متغیرهای ۱۲ گانه، تعریف و ساختار اثرگذاری هریک در ادامه آورده شده است:



شکل ۱. دسته‌بندی متغیرهای دوازده‌گانه مؤثر بر رقابت‌پذیری

مؤلفه اول: نهادها^۸

محیط نهادی به وسیله چارچوب‌های قانونی و اداری که اشخاص، بنگاه‌ها و دولت براساس آن‌ها به ایجاد درآمد و خلق ثروت واکنش نشان می‌دهند، تعیین می‌شود. کیفیت نهادها ارتباط تنگاتنگی با رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی دارد و می‌تواند ضمن تأثیر گذاشتن بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری و سازماندهی تولید، نقشی کلیدی نیز در نحوه توزیع منافع و میزان تحمل هزینه‌های سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه یک جامعه ایفا کند. نحوه رفتار دولت در مورد بازارها، آزادی و کارایی تصمیم‌هایش نیز اهمیت فراوانی دارد؛ بوروکراسی بیش از حد و تشریفات زاید اداری، قوانین اضافی، فساد، خیانت و سوءاستفاده از قراردادهای عمومی، فقدان شفافیت و قابلیت اعتماد و عدم استقلال سیاسی سیستم قضایی، هزینه‌های اقتصادی معناداری را به فعالان اقتصادی و تجار تحمیل کرده و فرایند توسعه اقتصادی را کند می‌کند.

مؤلفه دوم: زیرساخت‌ها^۹

وجود زیرساخت‌های گسترده و مؤثر همان‌طور که عامل مهمی در تعیین جایگاه فعالیت اقتصادی و نوع فعالیت‌ها یا بخش‌هایی است که می‌تواند در یک اقتصاد به‌خصوص توسعه یابد، در کارایی تصمیم‌های اقتصادی نیز ضرورت دارند. زیرساختی که به‌خوبی گسترش پیدا کرده باشد، اثر دوری فواصل بین نواحی مختلف را کاهش می‌دهد و ضمن کمک به تکامل بازارهای داخلی، موجب برقراری ارتباط بین بازارهای نواحی مختلف و حتی بین کشورها با کمترین هزینه می‌شود. وجود روش‌های حمل‌ونقل مؤثر مانند جاده‌ها، خطوط راه‌آهن، بنادر کشتیرانی و حمل‌ونقل هوایی کارا به فعالان بخش کسب و کار این امکان را می‌دهد تا کالاها و خدمات خود را به‌صورت بسیار مطمئن و در زمان مناسب به بازارهای هدف برسانند و به تسهیل حرکت نیروی کار برای دسترسی به مشاغل مناسب‌تر کمک می‌کند. در نهایت این که شبکه ارتباط مخابراتی گسترده و قابل اعتماد امکان جریان سریع و رایگان اطلاعات را فراهم می‌کند و در مجموع موجب افزایش کارایی اقتصادی از طریق کمک به بازرگانان برای برقراری ارتباط آسان و دادن تضمین به آنها در مورد در نظر گرفتن همه اطلاعات مرتبط در دسترس هنگام تصمیم‌گیری‌ها می‌شود.

مؤلفه سوم: فضای کلان اقتصادی^{۱۰}

ثبات در محیط کلان اقتصاد برای تجارت و در نتیجه برای رقابت‌پذیری یک کشور اهمیت دارد. هرچند بی‌تردید ثبات اوضاع کلان اقتصادی به‌تنهایی نمی‌تواند بهره‌وری ملی را افزایش دهد، ولی با این حال نباید فراموش کرد ناآرامی و اغتشاش نیز برای اقتصاد مضر است و اگر دولت مجبور باشد برای بدهی‌های گذشته‌اش پرداخت‌هایی با نرخ‌های بهره بالا داشته باشد، نمی‌تواند خدمات باکیفیت و مؤثری را ارائه دهد. کسری مالی جاری، توانایی‌های آینده دولت برای واکنش به چرخه‌های تجاری را محدود می‌کند. وقتی نرخ تورم خارج از کنترل باشد، بنگاه‌ها نمی‌توانند عملکرد کارایی داشته باشند.

مؤلفه چهارم: بهداشت و آموزش ابتدایی^{۱۱}

نیروی کار سالم برای بهره‌وری و رقابت‌پذیری کشور بسیار حیاتی است. نیروی کار بیمار نمی‌تواند مطابق قابلیت خود کار کند و بهره‌وری پایینی خواهد داشت. سیستم بهداشتی ضعیف و نامناسب هزینه‌های زیادی را بر فعالان اقتصادی تحمیل می‌کند. به‌علاوه، نیروی کاری که فقط یک‌سری آموزش‌های معمول اندک را دیده است تنها می‌تواند کارهای دستی ساده را انجام دهد و برای وی سازگار شدن با پروسه‌ها و فنون (تکنیک‌های) تولیدی پیچیده بسیار دشوار خواهد بود. بنابراین فقدان آموزش ابتدایی می‌تواند به‌عنوان یک محدودیت در مسیر توسعه فعالیت‌های کسب و کار و تولید محصولات باارزش و پیچیده قلمداد شود.

مؤلفه پنجم: سطوح بالاتر آموزش^{۱۲}

کیفیت نظام آموزش عالی برای اقتصادهایی که می‌خواهند از فرایندهای تولیدی ساده و محصولات با فناوری پایین به سمت پروسه‌های اقتصاد پیچیده‌تر حرکت کنند، بسیار مهم است. به‌ویژه این که امروزه فرایند جهانی‌سازی اقتصاد

مستلزم این است که کشورها نیروهای کار تحصیل‌کرده‌ای را تربیت کنند که قادرند خود را به سرعت با تغییرات محیط سازگار کرده و نیازهای سیستم تولید را تأمین کنند. این مؤلفه به صورت نرخ ثبت نام مقاطع دوم (تحصیلات متوسطه) و سوم (تحصیلات دانشگاهی) و همچنین کیفیت آموزش ارائه شده توسط مجامع تجاری اندازه گیری می شود.

مؤلفه ششم: کارایی بازار کالا^{۱۳}

کشورهای دارای بازارهای کالای کارآمد، مکان‌های مناسبی برای تولید ترکیبی از کالاها و خدمات براساس شرایط عرضه - تقاضا به شمار می‌روند که می‌توان به تجارت مؤثر چنین کالاهایی مطمئن بود. رقابت بازارهای سالم، هم داخلی و هم خارجی، برای تحریک کارایی بازار مهم بوده و می‌تواند بهره‌وری تجاری را با تضمین این موضوع که بنگاه‌های کارا تر موفق‌آنهايي هستند که کالاهای مورد تقاضای بازار را تولید می‌کنند، بالا ببرد. کارایی بازار کالا همچنین به شرایط طرف تقاضا مانند گرایش‌های مشتریان و تمایلات خریداران بستگی دارد. به دلیل برخی مسائل فرهنگی و تاریخی، مشتریان در بعضی از کشورها نسبت به سایر کشورها کالای بیشتری را تقاضا می‌کنند.

مؤلفه هفتم: کارایی بازار نیروی کار^{۱۴}

کارایی و انعطاف‌پذیری بازار نیروی کار برای حصول اطمینان نسبت به استفاده و تخصیص کارای نیروی کار و تأمین نیازها و انگیزه‌های کارگران در جهت ارائه تلاش حداکثری در شغل محوله بسیار مهم است. از این رو، بازار نیروی کار باید برای جابه‌جایی سریع و با کمترین هزینه نیروی کار از یک فعالیت اقتصادی به فعالیت اقتصادی دیگر و نوسان دستمزدها بدون ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی گسترده، قابلیت انعطاف‌پذیری داشته باشد. همچنین بازار نیروی کار مؤثر و کارا باید ارتباطی شفاف (مشخص) بین مشوق‌های نیروی کار و تلاش‌های آنها و نیز تساوی بین شرایط نیروی کار زن و مرد را تبیین و تضمین کند.

مؤلفه هشتم: توسعه بازار مالی^{۱۵}

بحران مالی اخیر به خوبی نقش کلیدی عملکرد بخش مالی را برای فعالیت‌های اقتصادی پررنگ کرده است. یک بازار مالی کارا منابع پس‌انداز شده شهروندان کشور و نیز منابع وارد شده از خارج به اقتصاد را به استفاده‌های بهینه‌تر و پربارتر آنها تخصیص می‌دهد. چنین بازاری منابع را در پروژه‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینانه با بالاترین نرخ‌های بازدهی انتظاری به جریان می‌اندازد. به همین دلیل ارزیابی دقیق و جامع خطرپذیری سرمایه‌گذاری یکی از عناصر مهم به شمار می‌رود. نظر به اهمیت سرمایه‌گذاری تجاری در بالا بردن بهره‌وری، کشورها به بازارهای مالی بالغ (پیشرفته) به منظور در اختیار قرار دادن سرمایه به بخش خصوصی از طریق منابعی همچون وام‌های بانکی، اوراق بهادار قابل مبادله، سرمایه‌های مخاطره‌آمیز^{۱۶} و سایر فرآورده‌های مالی نیاز دارند.

مؤلفه نهم: آمادگی فناوری^{۱۷}

مؤلفه آمادگی فناوریانه میزان چابکی و تطابق‌پذیری فناوری موجود را در جهت بالا بردن بهره‌وری صنایع با تأکید ویژه بر فعالیت‌ها در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات^{۱۸} اندازه‌گیری می‌کند. امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات به هدف اصلی فناوریانه جوامع تبدیل شده است که می‌تواند ضمن سرریز به سایر بخش‌های اقتصاد، به بهبود زیرساخت‌های آن کشور کمک کند. بنابراین دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات یکی از ابزارهای قادر ساختن کشورها در جهت رسیدن به آمادگی فناوریانه به شمار می‌رود.

مؤلفه دهم: اندازه بازار^{۱۹}

اندازه بازار بر بهره‌وری اثر می‌گذارد و بازارهای بزرگ به بنگاه‌ها اجازه استفاده از صرفه‌های اقتصادی را می‌دهد. در گذشته اغلب بازارهای در دسترس بنگاه‌ها به مرزهای ملی محدود می‌شدند، اما پس از ظهور فرایند جهانی سازی، بازارهای بین‌المللی به یکی از جانشین‌های بازارهای داخلی به‌ویژه برای اقتصادهای کوچک تبدیل شده‌اند. صادرات می‌تواند به عنوان یکی از

جانشین‌های تقاضای داخلی در تعیین اندازه بازار یک بنگاه فعال در کشور در نظر گرفته شود. مقیاس اندازه بازار مورد استفاده در این گزارش‌ها با در نظر گرفتن هر ۲ بازار داخلی و خارجی، اقتصادهای صادرات‌محور و مناطق جغرافیایی (مانند اتحادیه اروپا) که چندین کشور یک بازار واحد را تشکیل می‌دهند، نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

مؤلفه یازدهم: تکامل بخش کسب و کار^{۲۰}

پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری عامل مهمی در کارایی بالاتر تولید کالاها و خدمات به شمار می‌رود. در واقع تکامل بنگاه‌های تجاری موجب افزایش بهره‌وری و در نتیجه بهبود رقابت‌پذیری ملی می‌شود. پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری به کیفیت شبکه‌های تجاری در سراسر کشور و نیز کیفیت استراتژی‌ها و عملکردهای بنگاه‌های شخصی بستگی دارد. این موضوع به‌ویژه برای کشورهای توسعه‌یافته که در آن‌ها منابع معمول و متداول ارتقای بهره‌وری به میزان بسیار زیادی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، اهمیت فراوانی دارد. کیفیت شبکه‌های تجاری و صنایع حمایتی کشور که به صورت کمیت و کیفیت تهیه‌کنندگان محلی و میزان واکنش‌های آن‌ها اندازه‌گیری می‌شود، به دلایل مختلفی اهمیت دارد. عملکرد و استراتژی‌های بنگاه فردی (برندسازی، بازاریابی، وجود زنجیره ارزش و تولید محصول بی‌نظیر و پیشرفته) همگی به فرایند تجاری تکامل‌یافته و مدرن منجر می‌شوند.

مؤلفه دوازدهم: نوآوری^{۲۱}

رکن آخر رقابت‌پذیری، نوآوری فناورانه است. هر چند می‌توان از طریق بهبود نهادها، ایجاد زیرساخت‌ها، کاهش بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان و یا ارتقای سرمایه انسانی به منافع قابل توجهی دست یافت، اما تمام این عوامل در نهایت دچار بازده نزولی می‌شوند. این موضوع در مورد کارایی بازار نیروی کار، مالی و کالا نیز صادق است. استانداردهای زندگی در بلندمدت تنها از طریق نوآوری فناورانه می‌تواند بهبود یابد. هر چند کشورهای کمتر توسعه‌یافته همچنان می‌توانند سطح بهره‌وری خود را از طریق جذب فناوری‌های موجود و یا بهبود سایر بخش‌های اقتصادشان بالا ببرند، ولی برای کشورهایی که به مرحله نوآوری از توسعه‌یافتگی رسیده‌اند، این روش‌های افزایش بهره‌وری چندان مؤثر و کارساز نیست. بنگاه‌های این کشورها باید برای باقی ماندن در عرصه رقابت با رقبا به دنبال طراحی و توسعه محصولات و فرایندهای جدید باشند. این امر مستلزم وجود محیطی است که در آن شرایط فعالیت‌های نوآورانه فراهم بوده و بخش‌های خصوصی و عمومی از این کار حمایت کنند. به عبارت دیگر، این موضوع به معنای سرمایه‌گذاری کافی در تحقیق و توسعه (R&D) به‌ویژه توسط بخش خصوصی، وجود نهادهای تحقیقات علمی با کیفیت بالا، گسترش همکاری‌های دوسویه بین دانشگاه و صنعت و نیز حمایت از مالکیت معنوی است. در شرایط نااطمینانی موجود در اقتصاد، ایستادگی در مقابل فشارها در جهت کاهش هزینه‌های R&D (در سطوح خصوصی و عمومی) که زمینه‌ساز رشد مستمر در آینده است، ضروری است.

معرفی کشورها و موقعیت کلی آن‌ها

معرفی و دسته‌بندی کشورها

اگرچه مؤلفه‌های معرفی‌شده در قسمت قبل برای تمام کشورها اهمیت دارند، ولی درجه اهمیت آن‌ها برای کشورهای مختلف یکسان نیست. به عبارت دیگر، روش واحدی برای بهبود شاخص رقابت‌پذیری در همه کشورها وجود ندارد و فرایند ارتقای قابلیت‌های رقابت‌پذیری از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند. برای همین در این مطالعه نیز همانند گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰ کشور مورد بررسی منطقه را براساس درجه توسعه‌یافتگی به ۵ گروه تقسیم می‌کنیم. کشورهای مرحله اول کشورهایی هستند که بر منابع خود تکیه دارند و براساس منابع فراوان خود به رقابت می‌پردازند. وقتی که کشور رقابت‌پذیرتر می‌شود اتکال خود را به مؤلفه‌های کارایی محور شامل آموزش عالی، کارایی بازارهای کالا، نیروی کار و مالی، آمادگی فناورانه و اندازه بازار بیشتر می‌کند و در نهایت پس از گذر از این مرحله، کشورها قدرت رقابت خود را بر مبنای مؤلفه‌های نوآوری محور مانند بهبود توان تجاری و نوآوری استوار می‌کنند. بنابراین براساس وزن‌های در نظر گرفته‌شده برای مؤلفه‌های مختلف رقابت‌پذیری در هر مرحله، کشورهای منطقه را به ترتیب زیر در ۵ دسته تقسیم‌بندی می‌کنیم.

جدول ۱. میزان توسعه یافتگی کشورهای سند چشم‌انداز

مرحله اول	گذار از مرحله اول به دوم	مرحله دوم	گذار از مرحله دوم به سوم	مرحله سوم
تاجیکستان	ایران	ترکیه	بحرین	امارات
قرقیزستان	ارمنستان	لبنان	عمان	فلسطین اشغالی
پاکستان	آذربایجان			
	گرجستان			
	قزاقستان			
	کویت			
	عربستان			
	قطر			
	سوریه			
	اردن			
	مصر			

براساس جدول یک، ۳ کشور در اولین مرحله از توسعه یافتگی قرار دارند. ۱۱ کشور نیز مرحله گذار از مرحله اول به دوم توسعه را طی می‌کنند. مراحل دوم و گذار از مرحله دوم به سوم توسعه یافتگی نیز هر کدام ۲ کشور را شامل می‌شود. در نهایت در مرحله سوم از توسعه یافتگی هم ۲ کشور قرار دارند. به عبارت دیگر، از ۲۰ کشور مورد بررسی، ۱۱ کشور در مراحل اولیه توسعه یافتگی قرار دارند که این به معنای اتکای قدرت رقابت‌پذیری این کشورها بر منابع‌شان است. یکی از دلایل این امر وجود کشورهای نفتی منطقه در تحلیل‌ها است، چراکه اقتصاد این کشورها و در نتیجه قدرت رقابت‌پذیری آن‌ها به منابع طبیعی و به‌ویژه نفت وابسته است. ایران نیز در مرحله گذار از اول به دوم توسعه یافتگی قرار دارد. از بین ۶ کشوری که در مراحل بالاتر توسعه یافتگی قرار دارند نیز تنها امارات است که کشوری نفتی محسوب می‌شود و سایر کشورها وابستگی چندانی به منابع‌شان و به‌خصوص نفت ندارند. البته باید اشاره کرد همین امارات نیز بهترین وضعیت جهانی خود را در میان مؤلفه‌های مؤثر بر رقابت‌پذیری، از نظر مؤلفه‌های منابع‌محور دارد، ولی چون توانسته است از نفت و درآمدهای نفتی در راستای کمک به سایر مؤلفه‌های مؤثر بر رقابت‌پذیری بهره بگیرد، آسیب کمتری از وابستگی به منابع دیده و به بالاترین مرحله توسعه یافتگی نائل شده است.

وضعیت کشورهای مورد بررسی در شاخص کلی رقابت‌پذیری

در این قسمت و قبل از وارد شدن به بحث تک‌تک متغیرهای اثرگذار بر قدرت رقابت‌پذیری، جایگاه کشورهای مورد بررسی منطقه را براساس شاخص کلی رقابت‌پذیری در جدول ۲ ارزیابی می‌کنیم. براساس این جدول، کشورهای قطر، عربستان، فلسطین اشغالی و امارات به ترتیب با امتیازهای ۵/۱۰، ۴/۹۵، ۴/۹۱ و ۴/۸۹ و رتبه‌های جهانی ۱۷، ۲۱، ۲۴ و ۲۵ بهترین عملکرد را در بین کشورهای مورد بررسی داشته‌اند. در سوی دیگر، کشورهای ارمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان و پاکستان به ترتیب با رتبه‌های جهانی ۹۸، ۱۱۶، ۱۲۱ و ۱۲۳ و امتیازهای ۳/۷۶، ۳/۵۳، ۳/۴۹ و ۳/۴۸ بدترین عملکرد را از خود بر جای گذاشته‌اند. همچنین ترکیه، اردن، ایران و قزاقستان نیز به ترتیب با امتیازهای ۴/۲۵، ۴/۲۱، ۴/۱۴ و ۴/۱۲ و رتبه‌های جهانی ۶۱، ۶۵، ۶۹ و ۷۲ عملکرد متوسطی داشته و در میانه جدول قرار گرفته‌اند. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ۷ کشور منطقه رتبه جهانی زیر ۵۰ دارند و در میان آن‌ها نه تنها کشوری با رتبه جهانی تک‌رقمی وجود ندارد، بلکه فقط قطر رتبه زیر ۲۰ دارد. به علاوه، از میان این ۷ کشور، کشورهای قطر، عربستان و کویت در مرحله گذار از اول به دوم توسعه یافتگی قرار دارند که این خود مؤید این نکته است که قسمت بیشتر قدرت رقابت‌پذیری این کشورها وابسته به منابع و درآمدهای نفتی است و در میان مؤلفه‌های مؤثر بر رقابت‌پذیری، نوآوری وزن کمتری دارد. از سوی دیگر، ۳ کشور تاجیکستان، قرقیزستان و پاکستان، رتبه‌های جهانی ۳ رقمی دارند و هر ۳ کشور نیز در اولین مرحله از توسعه یافتگی قرار دارند. این بدان معناست که این کشورها قدرت رقابت‌پذیری بالایی ندارند و همان میزان اندک نیز منابع‌محور محسوب می‌شود. ایران نیز با امتیاز ۴/۱۴ و رتبه جهانی ۶۹، در میان کشورهای منطقه جایگاه یازدهم را به خود اختصاص داده است. با توجه به این که

براساس اهداف سند چشم‌انداز ایران باید به رتبه نخست اقتصادی منطقه تبدیل شود و با در نظر گرفتن رتبه رقابت‌پذیری ایران در بین کشورهای منطقه سند چشم‌انداز، تلاش بیش از پیش سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی را می‌طلبد.

جدول ۲. وضعیت شاخص کلی رقابت‌پذیری در کشورهای سند چشم‌انداز [۸]

قطر	عربستان	فلسطین اشغالی	امارات	عمان	کویت	بحرین	آذربایجان	ترکیه	اردن
ممتاز	۵.۱	۴.۹۵	۴.۹۱	۴.۸۹	۴.۶۱	۴.۵۹	۴.۵۴	۴.۲۹	۴.۲۱
رتبه جهانی	۱۷	۲۱	۲۴	۲۵	۳۴	۳۵	۳۷	۵۷	۶۵
رتبه منطقه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
ایران	قزاقستان	مصر	لبنان	گرجستان	سوریه	ارمنستان	تاجیکستان	قرقیزستان	پاکستان
ممتاز	۴.۱۴	۴.۱۲	۴.۰۰	۳.۸۹	۳.۸۶	۳.۷۹	۳.۷۶	۳.۵۳	۳.۴۹
رتبه جهانی	۶۹	۷۲	۸۱	۹۲	۹۳	۹۷	۹۸	۱۱۶	۱۲۱
رتبه منطقه	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹

منبع: گزارش رقابت‌پذیری جهانی ۲۰۱۱

تجزیه و تحلیل آماری

پس از بررسی شاخص رقابت‌پذیری کشورهای مورد اشاره در سند چشم‌انداز و به منظور تبیین بهتر موضوع مورد بحث، در ادامه مؤلفه‌های ۱۲ گانه مؤثر در قدرت رقابت‌پذیری ملی را براساس دسته‌بندی گزارش رقابت‌پذیری جهانی به ۳ گروه تقسیم می‌کنیم و تحلیل‌ها را به‌طور جداگانه در مورد هر دسته انجام می‌دهیم. برای جلوگیری از طولانی شدن کلام و نیز پرداختن به نکات اصلی، سعی می‌شود پس از بررسی آماری وضعیت کشورها در مقایسه با یکدیگر، جایگاه ایران در بین کشورهای مورد بررسی در منطقه مشخص شده و سپس بر روی نقاط ضعف و قوت ایران در هر دسته از متغیرها تمرکز بیشتری شود تا بدین ترتیب ارزیابی بهتری در جهت ارتقای آن متغیرها حاصل شود.

مؤلفه‌های منابع محور

وضعیت هر کشور در مؤلفه‌های منابع محور که در گزارش رقابت‌پذیری با عنوان نیازهای اساسی مطرح شده و شامل متغیرهای نهادها، زیرساخت‌ها، اوضاع کلان اقتصادی و آموزش و بهداشت ابتدایی است، در جدول ۳ آمده است. براساس جدول ۳، کشورهای امارات، قطر و بحرین به ترتیب با امتیازهای ۵۸/۲، ۵/۷۳ و ۵/۴۸ با در اختیار داشتن رتبه‌های جهانی ۸، ۱۳ و ۲۱ بهترین جایگاه و در مقابل کشورهای تاجیکستان، قرقیزستان و پاکستان به ترتیب با امتیازهای ۳/۷۴، ۳/۳۹ و ۳/۲۹ و با رتبه‌های جهانی ۱۱۲، ۱۲۰ و ۱۳۲ بدترین موقعیت را در بین کشورهای منطقه از نظر متغیرهای منابع محور در اختیار دارند و کشورهای آذربایجان، ایران و ترکیه به ترتیب با امتیازهای ۴/۵۸، ۴/۶۷ و ۴/۴۹ و رتبه‌های جهانی ۵۸، ۶۳ و ۶۸ در میانه جدول کشورهای منطقه ایستاده‌اند. در مورد مؤلفه نهادها، کشورهای قطر، عمان و امارات با رتبه‌های جهانی ۱۰، ۱۶ و ۲۰ و امتیازهای ۵/۵۵، ۵/۳۷ و ۵/۲۵ عملکرد بهتری را در مقایسه با سایر کشورهای منطقه داشته‌اند، در حالی که کشورهای پاکستان، لبنان و قرقیزستان با رتبه‌های جهانی ۱۱۲، ۱۱۳ و ۱۳۱ و امتیازهای ۳/۳۴ و ۳/۳۳ و ۳/۰۱ عملکرد بسیار ضعیفی را به نام خود ثبت کرده‌اند و کشورهای مصر، گرجستان و آذربایجان با رتبه‌های جهانی ۵۷، ۶۹ و ۷۱ و امتیازهای ۴/۰۳ و ۳/۸۷ و ۳/۸۶ بدترین عملکرد را دارند. در زمینه زیرساخت‌ها، کشورهای امارات، قطر و بحرین با امتیازهای ۶/۲۶ و ۵/۲۴ و ۵/۰۸ و با رتبه‌های جهانی ۳، ۲۵ و ۲۷ بهترین عملکرد و در سوی دیگر کشورهای لبنان و قرقیزستان با امتیازهای ۲/۶۳، ۲/۴۷ و ۲/۴۷ و با رتبه‌های جهانی ۱۱۶، ۱۲۳ و ۱۲۴ بدترین عملکرد را در بین کشورهای مورد بررسی داشته‌اند. کشورهای اردن، مصر و گرجستان نیز با امتیازهای ۴/۱۱، ۳/۹۷ و ۳/۷۵ و با رتبه‌های جهانی ۶۱، ۶۴ و ۷۳ عملکرد متوسطی داشته‌اند. براساس مؤلفه اوضاع کلان اقتصادی کشورهای گرجستان، تاجیکستان و پاکستان با رتبه‌های جهانی ۱۳۰، ۱۳۱ و ۱۳۳ و با امتیازهای ۳/۲۶، ۳/۲۵ و ۳/۱۹ عملکرد بسیار ضعیفی داشته‌اند، در مقابل کشورهای کویت، عمان و قطر با رتبه‌های جهانی ۲، ۳ و ۸ و امتیازهای ۶/۴۲، ۶/۱۱ و ۵/۷۱ بهترین عملکرد را در میان کشورهای منطقه به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳. وضعیت مؤلفه‌های منابع محور مؤثر بر رقابت پذیری در بین کشورهای منطقه [۸]

نیازهای اساسی	امتیاز	قطر	عربستان	فلسطین اشغالی	امارات	عمان	کویت	بحرین	آذربایجان	ترکیه	اردن	متوسط
جهان	۱۳	۲۸	۳۹	۸	۲۴	۳۶	۲۱	۵۸	۴۶۷	۴۴۹	۴۶۷	۴۶۱
منطقه	۲	۵	۷	۱	۴	۶	۳	۹	۱۱	۸	-	-
نیادهای	امتیاز	۵۵۵	۵۲۲	۴۸۴	۵۲۵	۵۳۷	۴۴۵	۵۰۲	۳۸۶	۳۶۱	۴۶۴	۴۱۹
جهان	۱۰	۲۱	۳۳	۲۰	۱۶	۴۶	۲۷	۷۱	۸۸	۴۱	-	-
منطقه	۱	۴	۶	۳	۲	۸	۵	۱۱	۱۵	۷	-	-
زیرساخت‌ها	امتیاز	۵۲۴	۵۰۷	۴۸۹	۶۲۶	۳۹۴	۴۱۱	۵۰۸	۳۶۹	۴۲۱	۴۱۱	۳۹۲
جهان	۲۵	۲۸	۳۴	۳	۳۳	۶۰	۲۷	۷۶	۵۶	۶۱	-	-
منطقه	۲	۴	۶	۱	۵	۸	۳	۱۳	۷	۹	-	-
اوضاع کلان اقتصادی	امتیاز	۵۷۱	۵۳۵	۴۷۱	۵۶۵	۶۱۱	۶۴۲	۵۶۵	۵۶۲	۴۴۷	۴۱۹	۴۶۷
جهان	۸	۲۲	۶۰	۱۲	۳	۲	۱۱	۱۳	۸۳	۱۰۳	-	-
منطقه	۳	۷	۱۱	۵	۲	۱	۴	۶	۱۲	۱۴	-	-
آموزش و بهداشت مقدماتی	امتیاز	۶۴۳	۵۶۴	۶۰۵	۶۱۴	۵۲۲	۵۶۸	۶۱۷	۵۵۰	۵۶۵	۵۷۳	۵۶۳
جهان	۱۵	۷۴	۴۶	۳۸	۹۹	۶۸	۳۶	۸۳	۷۲	۶۶	-	-
منطقه	۱	۱۲	۵	۳	۱۸	۹	۲	۱۳	۱۰	۸	-	-
نیازهای اساسی	امتیاز	۴۵۸	۴۴۸	۴۱۹	۳۸۷	۴۱۳	۴۲۸	۴۱۴	۳۷۴	۳۵۹	۳۳۹	۴۶۱
جهان	۶۳	۶۹	۸۹	۱۰۶	۹۵	۸۳	۹۴	۱۱۲	۱۲۰	۱۳۲	-	-
منطقه	۱۰	۱۲	۱۴	۱۷	۱۶	۱۳	۱۵	۱۸	۱۹	۲۰	-	-
نیادهای	امتیاز	۳۷۴	۳۵۸	۴۰۳	۳۳۳	۳۸۷	۳۷۶	۳۵۰	۳۷۶	۳۰۱	۳۳۴	۴۱۹
جهان	۸۲	۹۱	۵۷	۱۱۳	۶۹	۷۸	۹۷	۷۷	۱۳۱	۱۱۲	-	-
منطقه	۱۴	۱۶	۹	۱۹	۱۰	۱۳	۱۷	۱۲	۲۰	۱۸	-	-
زیرساخت‌ها	امتیاز	۳۷۵	۳۵۷	۳۹۷	۲۴۷	۳۷۵	۲۸۸	۳۴۶	۲۶۳	۲۴۷	۲۷۵	۳۹۲
جهان	۷۴	۸۱	۶۴	۱۲۳	۷۳	۱۰۵	۹۰	۱۱۶	۱۲۴	۱۱۰	-	-
منطقه	۱۲	۱۴	۱۰	۱۹	۱۱	۱۶	۱۵	۱۸	۲۰	۱۷	-	-
اوضاع کلان اقتصادی	امتیاز	۴۹۶	۵۲۷	۳۳۵	۳۵۸	۳۲۶	۴۷۵	۴۲۳	۳۲۵	۳۶۶	۳۱۹	۴۶۷
جهان	۴۵	۲۶	۱۲۹	۱۲۵	۱۳۰	۵۸	۹۹	۱۳۱	۱۱۹	۱۳۳	-	-
منطقه	۹	۸	۱۷	۱۶	۱۸	۱۰	۱۳	۱۹	۱۵	۲۰	-	-
آموزش و بهداشت مقدماتی	امتیاز	۵۸۹	۵۴۸	۵۴۲	۶۰۸	۵۶۴	۵۷۴	۵۳۷	۵۳۲	۵۲۱	۴۲۷	۵۶۳
جهان	۵۴	۸۵	۹۱	۴۴	۷۳	۶۴	۹۳	۹۷	۱۰۱	۱۲۳	-	-
منطقه	۶	۱۴	۱۵	۴	۱۱	۷	۱۶	۱۷	۱۹	۲۰	-	-

منبع: گزارش رقابت پذیری جهانی ۲۰۱

کشورهای ایران، سوریه و فلسطین اشغالی با رتبه‌های جهانی ۴۵، ۵۸ و ۶۰ و با امتیازهای ۴/۹۶، ۴/۷۵ و ۴/۷۱ عملکرد متوسطی داشته‌اند. در نهایت، کشورهای قطر، بحرین و امارات به ترتیب با امتیازهای ۶/۴۳، ۶/۱۷ و ۶/۱۴ و رتبه‌های جهانی ۱۵، ۳۶ و ۳۸ بهترین عملکرد، کشورهای کویت، ترکیه و گرجستان با امتیازهای ۵/۶۸، ۵/۶۵ و ۵/۶۴ و رتبه‌های جهانی ۶۸، ۷۲ و ۷۳ عملکرد متوسط و کشورهای عمان، قرقیزستان و پاکستان به ترتیب با امتیازهای ۵/۲۲، ۵/۲۱ و ۴/۲۷ و رتبه‌های جهانی ۹۹، ۱۰۱ و ۱۲۳ عملکرد بسیار ضعیفی را از نظر متغیر آموزش و بهداشت مقدماتی در بین کشورهای مورد بررسی داشته‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود ایران در متغیرهای نهادها، زیرساخت‌ها، اوضاع کلان اقتصادی و سطح بهداشت و آموزش مقدماتی به ترتیب با امتیازهای ۳/۷۴، ۳/۷۵، ۴/۹۶ و ۵/۸۹ رتبه‌های ۱۴، ۱۲، ۹ و ۶ را در بین ۲۰ کشور مورد بررسی در منطقه به خود اختصاص داده است. در این میان ضعیف بودن نهادها و فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم و مناسب از جمله موانع ایران در جهت افزایش توان رقابت‌پذیری به شمار می‌روند. ضعف نهادها علاوه بر ناکارایی چارچوب‌های قانونی، ناکارایی محیط نهادی را نیز شامل می‌شود. این بدان معناست که وجود بوروکراسی‌های زائد، قوانین دست‌وپاگیر و اضافی، فقدان شفافیت لازم، در کنار وجود فساد اداری در ایران هزینه‌های بسیاری را به فعالان بخش کسب و کار ایران تحمیل کرده و با کاهش انگیزه این افراد و بالا بردن هزینه تولید آن‌ها موجب کاهش قدرت رقابت‌پذیری محصولات تولیدی و خدمات ارائه‌شده توسط بنگاه‌های ایران در سطح بین‌المللی می‌شود. در نهایت این که ایران می‌تواند با مدیریت صحیح منابع عمومی، کنترل و نظارت هرچه بیشتر بر نهادها (چه خصوصی و چه دولتی)، ارائه گزارش‌های شفاف و استاندارد در زمینه نحوه عقد قراردادهای و اجرای قوانین، استفاده از استانداردها و شیوه‌های ممیزی و حسابداری مطمئن و مبتنی بر صداقت و درستی در کنار ایجاد حس اطمینان در سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان، موجب تضمین حکمرانی خوب و در نتیجه افزایش تمایل سرمایه‌گذاران و فعالان بخش تولیدی در راستای ارتقای قدرت رقابت‌پذیری محصولات تولیدی‌شان شود. همچنین نداشتن زیرساخت‌های ارتباطی مناسب و کافی، پراکندگی و گستردگی جغرافیایی و کیفیت پایین زیرساخت‌ها و شبکه ارتباطی موجود، ضمن تحمیل هزینه‌های گزاف بر تولیدکنندگان ایرانی، لزوم توجه هرچه بیشتر سیاستگذاران را به تهیه بسته‌های حمایتی با منابع مالی کافی در جهت بهبود و گسترش زیرساخت‌ها و شبکه‌های ارتباطی و مخابراتی گوشزد می‌کند. در سوی دیگر، ثبات نسبی اوضاع کلان اقتصادی و گستردگی سطح آموزش و بهداشت مقدماتی می‌تواند از جمله نقاط قوت ایران در زمینه مؤلفه‌های منابع محور محسوب شود. هر چند ممکن است در ایران ثبات نسبی اوضاع کلان به صورت دستوری و تصنعی به وجود آمده باشد اما این امر نه تنها نقطه قوت محسوب نمی‌شود، بلکه حتی ممکن است اثر عکس داشته باشد. چراکه رسیدن به ثبات اقتصادی به صورت دستوری همراه با تخریب و فشار بر روی سایر متغیرهای اثرگذار می‌تواند در کوتاه‌مدت و به‌طور گذرا اثر مثبت داشته باشد، ولی در بلندمدت و با نمایان شدن پیامدهای تخریب سایر مؤلفه‌ها اثر منفی آن‌ها مشخص‌تر می‌شود. از این‌رو عنوان می‌شود فقدان آموزش ابتدایی و خدمات بهداشتی مقدماتی می‌تواند به‌عنوان یک محدودیت در مسیر توسعه فعالیت‌های کسب و کار و تولید محصولات باارزش و پیچیده عمل کند. نکته دیگری که بد نیست در اینجا به آن اشاره شود، موقعیت کشورهای منطقه در بین تمام کشورهای جهان است. اگرچه کشورهای منطقه از نظر مؤلفه اوضاع کلان اقتصادی در سطح جهان جایگاه خوبی دارند و حتی توانسته‌اند رتبه‌های ۲، ۳ و ۸ را در بین ۱۳۹ کشور کسب کنند، اما در عین حال در مورد متغیر سطح بهداشت و آموزش مقدماتی در بین کشورهای جهان جایگاه مناسبی را ندارند. این امر بدان معناست که کشورهای این منطقه از جمله ایران باید در کنار توجه به محیط کلان اقتصاد و متغیرهای کلان، از متغیرهای خرد و محیط آموزشی و بهداشتی ابتدایی نیز غافل نشوند. در پایان باید توجه کرد، اگرچه وضعیت مؤلفه‌های منابع محور ایران در مقایسه با ۲۰ دسته دیگر مؤلفه‌ها وضعیت بهتری دارند، ولی همین مؤلفه‌ها در هنگام مقایسه با کشورهای برتر و پیشرو جایگاه مناسبی را نشان نمی‌دهد و ضرورت توجه به نیازهای اساسی به‌ویژه نهادها را گوشزد می‌کند و بر اهمیت آن در ارتقای قدرت رقابت‌پذیری ملی تأکید دارد.

مؤلفه‌های کارایی محور

اطلاعات آماری مربوط به مؤلفه‌هایی که با ارتقای کارایی نهاده‌های مختلف تولید باعث افزایش توان رقابت‌پذیری کشورها می‌شوند و شامل متغیرهای تحصیلات تکمیلی، کارایی بازار کالا، کارایی بازار نیروی کار، توسعه بازار مالی،

آمادگی فناورانه و اندازه بازار است، در جدول ۴ آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، کشورهای امارات، فلسطین اشغالی و قطر به ترتیب با امتیازهای ۴/۸۲، ۴/۷۵ و ۴/۶۸ و با کسب رتبه‌های جهانی ۲۱، ۲۳ و ۲۶ بهترین عملکرد و در سوی دیگر کشورهای قرقیزستان، سوریه و تاجیکستان نیز به ترتیب با امتیازهای ۳/۴۴، ۳/۳۸ و ۳/۲۵ با رتبه‌های جهانی ۱۱۱، ۱۱۷ و ۱۲۳ بدترین عملکرد را از نظر شاخص کلی مؤلفه‌های کارایی محور در بین کشورهای منطقه داشته‌اند. در این میان کشورهای لبنان، قزاقستان و اردن با کسب امتیازهای ۴/۰۰، ۴/۰۰ و ۳/۹۸ و رتبه‌های جهانی ۷۰، ۷۱ و ۷۳ عملکرد متوسطی را در بین کشورهای مورد بررسی از خود به نمایش گذاشته‌اند. توجه داشته باشید که از دیدگاه این مؤلفه‌ها، نه تنها هیچ‌یک از کشورهای منطقه رتبه تک‌رقمی و یا حتی زیر ۲۰ ندارند، بلکه ۸ کشور از آن‌ها رتبه‌های جهانی بالای ۹۰ را کسب کرده‌اند که این نکته لزوم توجه جدی به مؤلفه‌های کارایی محور ارتقای توان رقابت‌پذیری کشورها را گوشزد می‌کند. در مؤلفه سطوح بالاتر آموزش، کشورهای قطر، فلسطین اشغالی و امارات با رتبه‌های جهانی ۳۲، ۳۳ و ۳۶ و کسب امتیازهای ۴/۸۴، ۴/۸۲ و ۴/۸۰ عملکرد بهتری در مقایسه با سایر اعضای گروه مورد بررسی داشته‌اند، در حالی که کشورهای تاجیکستان، سوریه و پاکستان با رتبه‌های جهانی ۱۱۱، ۱۱۷ و ۱۲۳ و امتیازهای ۳/۴۱، ۳/۳۱ و ۲/۹۱ ضعیف‌ترین عملکرد را از خود به جای گذاشته‌اند. همچنین کشورهای قزاقستان، ترکیه و آذربایجان با رتبه‌های جهانی ۶۵، ۷۱ و ۷۷ و کسب امتیازهای ۴/۲۰، ۴/۰۴ و ۳/۹۶ در میانه‌های جدول کشورهای منطقه قرار دارند. کشورهای سوریه، قرقیزستان و تاجیکستان با کسب رتبه‌های جهانی ۱۱۵، ۱۲۱ و ۱۲۸ و امتیازهای ۳/۵۸، ۳/۵۴ و ۳/۵۴ ضعیف‌ترین عملکرد و کشورهای امارات، بحرین و عربستان با کسب رتبه‌های جهانی ۹، ۱۰ و ۱۱ و امتیازهای ۵/۲۲، ۵/۱۳ و ۵/۱۱ بهترین عملکرد و نیز کشورهای کویت، ترکیه و گرجستان با کسب رتبه‌های جهانی ۵۴، ۵۹ و ۶۴ و امتیازهای ۴/۳۲، ۴/۲۱ و ۴/۱۸ عملکرد متوسطی را از نظر مؤلفه کارایی بازار کالا ارائه داده‌اند. براساس مؤلفه کارایی بازار نیروی کار، کشورهای قطر، فلسطین اشغالی و قزاقستان با امتیازهای ۵/۰۳، ۴/۸۸ و ۴/۸۶ و کسب رتبه‌های جهانی ۱۴، ۱۹ و ۲۱ با ارائه بهترین عملکرد در بالای جدول، کشورهای ارمنستان، کویت و عربستان با امتیازهای ۴/۶۱، ۴/۴۵ و ۴/۴۲ و کسب رتبه‌های جهانی ۴۷، ۶۴ و ۶۶ با ارائه عملکرد متوسط در میانه‌های جدول و نیز کشورهای سوریه، مصر و ایران با امتیازهای ۳/۴۳، ۳/۴۳ و ۳/۳۷ و با رتبه‌های جهانی ۱۳۲، ۱۳۳ و ۱۳۵ با ارائه ضعیف‌ترین عملکرد در انتهای جدول کشورهای منطقه قرار گرفته‌اند. اما در مورد مؤلفه توسعه بازار مالی، کشورهای فلسطین اشغالی، قطر و بحرین با در اختیار داشتن رتبه‌های جهانی ۱۴، ۱۹ و ۲۰ و کسب امتیازهای ۵/۰۷، ۴/۹۱ و ۴/۹۰ نسبت به سایر کشورهای منطقه عملکرد بهتری داشته‌اند و در مقابل کشورهای ایران، سوریه و تاجیکستان با امتیازهای ۳/۲۹، ۳/۱۹ و ۳/۱۴ و کسب رتبه‌های جهانی ۱۲۰، ۱۲۴ و ۱۲۷ ضعیف‌ترین عملکرد را در بین کشورهای منطقه از خود به نمایش گذاشته‌اند. کشورهای ترکیه، کویت و آذربایجان با در اختیار داشتن رتبه‌های جهانی ۶۱، ۶۳ و ۷۱ و کسب امتیاز ۴/۲۳، ۴/۲۲ و ۴/۱۶ عملکرد متوسطی ارائه داده‌اند. به‌علاوه کشورهای امارات، فلسطین اشغالی و بحرین با امتیازهای ۵/۱۹، ۴/۸۹ و ۴/۸۸ و رتبه‌های جهانی ۱۴، ۲۶ و ۲۷ در بالای جدول، کشورهای آذربایجان، کویت و قزاقستان با رتبه‌های جهانی ۷۰، ۷۷ و ۸۲ و امتیازهای ۳/۵۵، ۳/۴۶ و ۳/۴۰ در میانه‌های جدول و کشورهای سوریه، قرقیزستان و تاجیکستان با امتیازهای ۲/۹۲، ۲/۷۵ و ۲/۷۴ و کسب رتبه‌های جهانی ۱۱۱، ۱۱۹ و ۱۲۰ در انتهای جدول کشورهای منطقه از نظر مؤلفه آمادگی فناورانه قرار گرفته‌اند.

جدول ۴. وضعیت مؤلفه‌های کارایی محور مؤثر بر رقابت پذیری در بین کشورهای منطقه [۸]

امتیاز	قطر	عربستان	فلسطین اشغالی	امارات	عمان	کویت	بحرین	آذربایجان	ترکیه	اردن	متوسط
ارتقا دهنده کارایی	امتیاز	۴۶۸	۴۶۷	۴۷۵	۴۸۲	۴۳۰	۴۰۳	۴۵۴	۳۹۷	۴۱۸	۳۹۸
	جهان	۲۶	۲۷	۲۳	۲۱	۴۸	۶۸	۳۳	۷۵	۵۵	۷۳
	منطقه	۳	۴	۲	۱	۶	۸	۵	۱۲	۷	۱۱
آموزش عالی	امتیاز	۴۸۴	۴۵۵	۴۸۲	۴۸۰	۴۲۲	۳۸۷	۴۶۴	۳۹۶	۴۰۴	۴۰۵
	جهان	۳۲	۵۱	۳۳	۳۶	۶۳	۸۳	۴۴	۷۷	۷۱	۵۷
	منطقه	۱	۶	۲	۳	۸	۱۲	۴	۱۱	۱۰	۷
کارایی بازار کالا	امتیاز	۵۱۰	۵۱۱	۴۵۸	۵۲۲	۴۸۲	۴۳۲	۵۱۳	۳۹۲	۴۲۱	۴۲۸
	جهان	۱۲	۱۰	۳۷	۶	۲۵	۵۴	۹	۹۳	۵۹	۴۶
	منطقه	۴	۳	۶	۱	۵	۹	۲	۱۵	۱۰	۸
کارایی بازار نیروی کار	امتیاز	۵۰۳	۴۴۲	۴۸۸	۴۸۱	۴۷۳	۴۴۵	۴۷۸	۴۸۲	۳۵۷	۳۹۲
	جهان	۱۴	۶۶	۱۹	۲۶	۳۶	۶۴	۲۸	۲۵	۱۲۷	۱۱۲
	منطقه	۱	۱۱	۲	۵	۸	۱۰	۶	۴	۱۶	۱۵
توسعه بازار مالی	امتیاز	۴۹۱	۴۸۳	۵۰۷	۴۶۶	۴۶۷	۴۲۲	۴۹۰	۴۱۶	۴۲۳	۴۳۱
	جهان	۱۹	۲۲	۱۴	۳۳	۳۰	۶۳	۲۰	۷۱	۶۱	۵۴
	منطقه	۲	۴	۱	۶	۵	۱۰	۳	۱۱	۹	۸
آمادگی فناوریانه	امتیاز	۴۴۴	۴۱۷	۴۸۹	۵۱۹	۳۷۹	۳۴۶	۴۸۸	۳۵۵	۳۸۵	۳۶۳
	جهان	۳۶	۴۲	۲۶	۱۴	۵۹	۷۷	۲۷	۷۰	۵۶	۶۲
	منطقه	۴	۵	۲	۱	۷	۱۰	۳	۹	۶	۸
اندازه بازار	امتیاز	۳۷۵	۴۹۷	۴۲۴	۴۲۶	۳۵۷	۳۸۸	۲۹۴	۳۴۶	۵۱۷	۳۲۵
	جهان	۶۶	۲۲	۵۳	۵۱	۷۳	۵۹	۹۸	۷۶	۱۶	۸۴
	منطقه	۱۱	۳	۷	۶	۱۲	۹	۱۶	۱۳	۱	۱۵
ارتقا دهنده کارایی	امتیاز	۳۷۶	۴۰۰	۳۸۵	۴۰۰	۳۷۱	۳۳۸	۳۵۱	۳۲۵	۳۴۴	۳۶۶
	جهان	۹۰	۷۱	۸۲	۷۰	۹۴	۱۱۷	۱۰۶	۱۲۳	۱۱۱	۹۵
	منطقه	۱۴	۱۰	۱۳	۹	۱۵	۱۹	۱۷	۲۰	۱۸	۱۶
آموزش عالی	امتیاز	۳۸۰	۴۲۰	۳۵۹	۴۵۷	۳۷۴	۳۳۱	۳۶۶	۳۴۱	۳۸۳	۴۰۵
	جهان	۸۷	۶۵	۹۷	۴۸	۹۰	۱۰۷	۹۱	۱۰۵	۸۶	۱۲۳
	منطقه	۱۴	۹	۱۷	۵	۱۵	۱۹	۱۶	۱۸	۱۳	۲۰
کارایی بازار کالا	امتیاز	۳۸۵	۳۹۸	۳۹۴	۴۴۴	۴۱۸	۳۶۹	۳۷۲	۳۵۴	۳۵۸	۳۹۴
	جهان	۹۸	۸۶	۹۰	۴۲	۶۴	۱۱۵	۱۱۳	۱۲۸	۱۲۱	۹۱
	منطقه	۱۵	۱۲	۱۳	۷	۱۱	۱۸	۱۷	۲۰	۱۹	۱۴
کارایی بازار نیروی کار	امتیاز	۳۳۷	۴۸۶	۳۴۳	۴۰۱	۴۷۵	۳۴۳	۴۶۱	۴۳۸	۴۴۲	۴۳۱
	جهان	۱۳۵	۲۱	۱۳۳	۱۰۳	۳۱	۱۳۲	۴۷	۷۳	۶۵	۱۳۱
	منطقه	۲۰	۳	۱۹	۱۴	۷	۱۸	۹	۱۳	۱۲	۱۷
توسعه بازار مالی	امتیاز	۳۲۹	۳۳۹	۴۰۰	۴۲۳	۳۶۲	۳۱۹	۳۶۰	۳۱۴	۳۵۴	۴۰۹
	جهان	۱۲۰	۱۱۷	۸۲	۵۳	۱۰۸	۱۲۴	۱۱۰	۱۲۷	۱۱۱	۷۳
	منطقه	۱۸	۱۷	۱۳	۷	۱۴	۱۹	۱۵	۲۰	۱۶	۱۲
آمادگی فناوریانه	امتیاز	۳۱۹	۳۴۰	۳۳۲	۳۲۴	۳۱۴	۲۹۲	۲۹۶	۲۷۴	۲۷۵	۲۹۴
	جهان	۹۶	۸۲	۸۷	۹۲	۹۸	۱۱۱	۱۰۸	۱۲۰	۱۱۹	۱۰۹
	منطقه	۱۴	۱۱	۱۲	۱۳	۱۵	۱۸	۱۶	۲۰	۱۹	۱۷
اندازه بازار	امتیاز	۵۰۹	۴۱۶	۴۸۰	۳۴۱	۲۸۰	۳۷۵	۲۵۰	۲۳۰	۲۵۳	۴۶۳
	جهان	۲۰	۵۵	۲۶	۸۰	۱۰۷	۶۵	۱۱۶	۱۲۶	۱۱۵	۳۱
	منطقه	۲	۸	۴	۱۴	۱۷	۱۰	۱۹	۲۰	۱۸	۵

در نهایت این که از نظر مؤلفه اندازه بازار، کشورهای قرقیزستان، ارمنستان و تاجیکستان با کسب رتبه‌های جهانی ۱۱۵، ۱۱۶ و ۱۲۶ و امتیازهای ۲/۵۳، ۲/۵۰ و ۲/۳۰ پایین‌ترین جایگاه، کشورهای کویت، سوریه و قطر با امتیازهای ۳/۸۸، ۳/۷۵ و ۳/۷۵ و کسب رتبه‌های جهانی ۵۹، ۶۵ و ۶۶ جایگاه متوسط و کشورهای ترکیه، ایران و عربستان با کسب امتیازهای ۵/۱۷، ۵/۰۹ و ۴/۹۷ ضمن در اختیار داشتن رتبه‌های جهانی ۱۶، ۲۰ و ۲۲ بهترین جایگاه را نیز در بین کشورهای منطقه به خود اختصاص داده‌اند. به علاوه، ایران با کسب امتیازهای ۳/۷۶، ۳/۸۰، ۳/۸۵، ۳/۳۷، ۳/۲۹، ۳/۱۹ و ۵/۰۹ به ترتیب در شاخص‌های مؤلفه‌ای کلی کارایی محور، تحصیلات عالی، کارایی بازار محصول، کارایی بازار نیروی کار، توسعه بازار مالی، آمادگی فناوریانه و اندازه بازار، رتبه‌های جهانی ۹۰، ۸۷، ۹۸، ۱۳۵، ۱۲۰، ۹۶ و ۲۰ را کسب کرده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ناکارایی بازارهای نیروی کار و بازار مالی، بزرگ‌ترین چالش‌ها و بزرگ بودن نسبی بازار، بزرگ‌ترین نقطه قوت ایران از نظر مؤلفه‌های کارایی محور ارتقادهنده رقابت‌پذیری به شمار می‌رود. پایین بودن کارایی بازار نیروی کار در اقتصاد ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه و حتی در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان که می‌تواند بیانگر اندک بودن انعطاف‌پذیری این بازار، تخصیص ناکارای نیروی کار بین بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف تولیدی و نیز نامناسب بودن وضعیت آموزش عالی در راستای تأمین نیازهای بنگاه‌های تولیدی (که به معنی تقاضا محور نبودن آموزش عالی در اقتصاد ایران است) باشد، زنگ خطری جدی محسوب می‌شود. صرف داشتن بازار بزرگ یا آمادگی فناوریانه نمی‌تواند بدون همراهی نیروی کار کارشناس و آموزش‌دیده افزایش توان رقابت‌پذیری را به دنبال داشته باشد، چراکه عاملی که در نهایت باید از تمامی نهاده‌های تولید استفاده کرده و آنها را در جهت افزایش کیفیت محصولات به کار گیرد و زمینه را برای تبدیل کشوری منابع‌محور همچون ایران به اقتصادی دانش‌محور فراهم کند، نیروی کار است و در صورت ضعف این عامل تولید، توان سایر مؤلفه‌ها نیز ممکن است تحت شعاع قرار گیرد. همچنین باید در جهت برقراری ارتباط شفاف و روشن بین مشوق‌های کارکنان و کارگران تلاش شود ضمن ایجاد تساوی بین شرایط نیروی کار زن و مرد و پرداخت دستمزد معادل بهره‌وری آنها، زمینه مناسب برای جذب نیروهای تحصیلکرده و آموزش‌دیده در مشاغل مرتبط با تخصص کاری آنها فراهم شود. در کنار این موارد، با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری تجاری در بالا بردن بهره‌وری و کمک به رشد اقتصادی کشورها که پس از بحران مالی اخیر پررنگ‌تر نیز شده است، ایران به بازارهای مالی بالغ به منظور در اختیار قرار دادن سرمایه به بخش خصوصی از طریق منابعی همچون وام‌های بانکی، اوراق بهادار قابل مبادله و سایر فرآورده‌های مالی نیاز دارد. از طرفی، داشتن سیستم بانکی شفاف، دقیق و قابل اعتماد در کنار وجود قوانین مناسب و متقزی در راستای حمایت از سرمایه‌گذاران نیز از ملزومات بازار مالی کارا محسوب می‌شود، که این مهم باید مدنظر سیاستگذاران اقتصادی ایران قرار گیرد. از سوی دیگر، اگرچه جایگاه ایران در بین کشورهای منطقه از نظر سطح آموزش عالی و آمادگی فناوریانه در مقایسه با کارایی بازارهای نیروی کار و مالی بهتر است، ولی این امر به هیچ وجه به معنای وضعیت مناسب این متغیرها در ایران نیست و همچنان تا رسیدن به رتبه‌های بالا فاصله زیادی وجود دارد، به گونه‌ای که رتبه ایران در مؤلفه‌های آموزش عالی و آمادگی فناوریانه به ترتیب برابر با ۸۷ و ۹۶ است که تأییدی بر موقعیت نه‌چندان مطلوب ایران است. به دلیل پایین بودن سطح آمادگی فناوریانه در ایران، امکان استفاده فعالان اقتصادی از فناوری‌ها و ابزارهای تولید نوین و به‌روز به دلایلی همچون انحراف قیمت‌های نسبی عوامل تولید که موجب گران شدن نسبی عامل فناوری در مقایسه با نهاده‌های سنتی تولید شده است، فراهم نیست و این امر باعث شده است که بنگاه‌ها و صنایع مختلف از ابزارآلات و تجهیزات قدیمی و فرسوده با هزینه‌های تولید و نگهداری پایین استفاده کنند. پیامد طبیعی این روند نیز تولید محصولات قدیمی، با هزینه تولید بالا و به احتمال زیاد، کیفیت پایین است. البته به یاد داشته باشید که نداشتن آمادگی فناوریانه با ناتوانی در خلق ابزارهای تولید جدید و ایجاد نوآوری در فرایندهای تولید نیست، بلکه مسأله اصلی فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم برای بنگاه‌های تولیدی در جهت استفاده از فناوری‌های جدید است. به عبارت دیگر، مشکل در استفاده نکردن از فناوری‌های جدید است نه ایجاد آنها؛ بنابراین بهتر است سیاست‌ها به گونه‌ای اتخاذ شوند که ضمن حمایت از خلق دانش و تولید فرایندها و ابزارهای به‌روز، برقراری تعامل فعال بین مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها با بنگاه‌ها و صنایع، امکان استفاده از این ابتکارها و اختراعات نیز مهیا شود، چراکه استفاده از دانش روز از تولید آن معقول‌تر و منطقی‌تر به نظر می‌رسد. (شاه‌آبادی و صادقی، ۱۳۸۹)

ایران به دلیل داشتن بازار بسیار بزرگ‌تر در مقایسه با سایر کشورهای منطقه که اغلب کشورهایی با جمعیت اندک و وسعت کم هستند، می‌تواند به‌عنوان پایلوتی مهم ایفای نقش کرده و در جهت تأمین نیازهای کشورهای منطقه که بعضی از آن‌ها درآمدهای نفتی فراوانی دارند، گام بردارد. درواقع، با گسترش جریان جهانی‌سازی که در دهه‌های اخیر آغاز شده است، دیگر مرزهای جغرافیایی نیستند که حد و اندازه بازار را آن هم در سطح بازار محلی و داخلی تعیین می‌کنند، بلکه بازارهای بین‌المللی، جانشین بازارهای داخلی به‌ویژه برای اقتصادهای کوچک شده‌اند. لذا با توجه به تأکیدی که بر تأثیر مثبت صادرات بر رشد اقتصادی شده است، به سیاستگذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی پیشنهاد می‌شود با تربیت نیروهای کارشناس و تحصیلکرده و استفاده از آن‌ها در فعالیت‌های مرتبط با زمینه تخصصی و تحصیلی‌شان، ایجاد بسترهای ابداع و اختراع و خلق دانش و از آن مهم‌تر استفاده از دانش‌های نوین حتی از طریق انحراف هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده قیمت‌های نسبی عوامل، در جهت ترغیب فعالان تولیدی به استفاده از ابزارهای تولید پیشرفته، گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای منطقه در کنار تسهیل قوانین مقررات به‌ویژه در مورد قوانین کار، از فرصتی همچون داشتن بازار بزرگ داخلی و حتی منطقه‌ای نهایت استفاده را ببرند و از مزایای این نقطه قوت در جهت برطرف کردن نقاط ضعف احتمالی در سایر مؤلفه‌ها بهره بگیرند.

مؤلفه‌های نوآوری محور

در پایان وضعیت مؤلفه‌های نوآوری محور مؤثر بر قدرت رقابت‌پذیری ملی که شامل تکامل تجاری و سطح نوآوری است، در جدول ۵ ارائه شده است. همان‌طور که می‌بینید، کشورهای فلسطین اشغالی، قطر و عربستان، به ترتیب با کسب امتیازهای ۵/۰۵، ۴/۴۸ و ۴/۴۱ و در اختیار داشتن رتبه‌های جهانی ۱۱، ۲۳ و ۲۶ بهترین عملکرد، کشورهای اردن، آذربایجان و مصر با کسب امتیازهای ۳/۵۰، ۳/۵۰ و ۳/۴۸ و در اختیار داشتن رتبه‌های جهانی ۶۵، ۶۶ و ۶۸ عملکرد متوسط و کشورهای تاجیکستان، گرجستان و قرقیزستان به ترتیب با کسب امتیازهای ۲/۹۶، ۲/۹۰ و ۲/۵۸ ضعیف‌ترین عملکرد را در بین کشورهای منطقه از نظر شاخص کلی نوآوری محور داشته‌اند. براساس مؤلفه تکامل تجاری، کشورهای عربستان، قطر و امارات با رتبه‌های جهانی ۱۹، ۲۱ و ۲۲ و امتیازهای ۴/۹۱، ۴/۸۵ و ۴/۸۴ عملکرد بهتری را در مقایسه با سایر کشورهای منطقه داشته‌اند، درحالی که کشورهای گرجستان، تاجیکستان و قرقیزستان با رتبه‌های جهانی ۱۱۱، ۱۲۶ و ۱۳۰ عملکرد ضعیفی از خود به نمایش گذاشته‌اند، همچنین کشورهای کویت، مصر و آذربایجان با رتبه‌های جهانی ۵۸، ۶۳ و ۷۲ و امتیازهای ۴/۱۲، ۳/۹۸ و ۳/۹۴ عملکرد متوسطی را به نام خود ثبت کرده‌اند.

بر طبق جدول ۵، مهم‌ترین مانع ایران برای بالا بردن نوآوری و به تبع آن ارتقای قدرت رقابت‌پذیری، عدم تکامل بنگاه‌های تجاری است. این بدان معنی است که بنگاه‌های تجاری ایران سیاست‌ها و استراتژی‌های مناسب و بلندمدتی ندارند و شبکه‌های تجاری بین بنگاه‌ها ضعیف است. خود این عامل می‌تواند ناشی از عدم شفافیت سازمان‌های قانونگذار و نیز هماهنگی و هم‌جهت نبودن سیاست‌های پولی، مالی و ارزی و حتی سیاست‌های آموزشی و پژوهشی دولت در سطح کلان باشد. نکته دیگر این است که از یک‌سو، در برخی مواقع سیاست‌های حمایتی کمی و کیفی دولت از بنگاه‌ها متناسب با نیازهای آنها نیست و نمی‌تواند پاسخگوی مسائل و مشکلات تولیدی آنها باشد و از سوی دیگر، گاهی حمایت‌ها به حدی و به‌گونه‌ای است که بنگاه‌های تولیدی مورد حمایت نوعی قدرت انحصاری در بازار می‌یابند که دیگر امکان کاهش حمایت از آن‌ها وجود نخواهد داشت. همچنین باید یادآور شد که هنوز بسیاری از بنگاه‌های تولیدی در ایران در زمینه اصولی همچون بازاریابی، برندسازی، ایجاد زنجیره‌های ارزش و تولید محصولات متناسب با سلاقی مصرف‌کننده امروزی، با مشکل مواجه هستند که این مسائل ممکن است در عدم تکامل بنگاه‌های تجاری نقش داشته باشد. بنابراین علاوه بر این که باید از بنگاه‌ها، به‌ویژه بنگاه‌های فعال در زمینه دانش‌های نوین و فرایندهای تولیدی روز دنیا، در مراحل ابتدایی فعالیت‌شان حمایت‌های هدفمند و جهت‌دار کرد، لازم است زمینه را برای برقراری ارتباط بین بنگاه‌های فعال در تولید محصولات مشترک و گاهی مکمل و نیز نزدیک از لحاظ جغرافیایی فراهم کرد، چراکه تشکیل خوشه‌ها و دسته‌های صنعتی و تجاری با فراهم آوردن امکان تبادل اطلاعات و استفاده از فرصت‌های تولیدی در مقیاس بزرگ‌تر می‌تواند کارایی محصولات تولیدی را بالا برده و به خلق فرصت‌های جدید برای افزایش نوآوری کمک کند. در مورد وضعیت خود نوآوری نیز باید عنوان کرد اگرچه موقعیت این متغیر در ایران نسبت به

تکامل تجاری بهتر است ولی نکته مهم‌تر ناتوانی بنگاه‌های تولیدی و صنعتی ایران از نوآوری‌های ایجادشده در سطح کشور است. درک بهتر این موضوع با ملاحظه و مقایسه وضعیت ۲ مؤلفه آمادگی فناورانه (جدول ۴) و سطح نوآوری (جدول ۵) در ایران ملموس‌تر است.

جدول ۵. وضعیت مؤلفه‌های نوآوری محور مؤثر بر رقابت‌پذیری در بین کشورهای منطقه [۸]

قطر	عربستان	فلسطین اشغالی	امارات	عمان	کویت	بحرین	آذربایجان	ترکیه	اردن	متوسط
امتیاز	۴,۴۸	۴,۴۱	۵,۰۵	۴,۳۷	۳,۸۷	۳,۵۷	۳,۶۷	۳,۵۰	۳,۵۶	نواوری
جهان	۲۳	۲۶	۱۱	۲۷	۴۷	۶۰	۵۵	۵۷	۶۵	-
منطقه	۲	۳	۱	۴	۵	۸	۶	۷	۹	-
امتیاز	۴,۸۵	۴,۹۱	۴,۷۹	۴,۸۴	۴,۲۷	۴,۱۲	۴,۱۴	۳,۹۴	۳,۹۱	تکامل تجاری
جهان	۲۱	۱۹	۲۶	۲۲	۴۵	۵۸	۵۵	۷۲	۶۶	-
منطقه	۲	۱	۴	۳	۵	۹	۸	۱۱	۱۲	-
امتیاز	۴,۱۱	۳,۹۲	۵,۳۰	۳,۹۱	۳,۴۶	۳,۰۳	۳,۲۱	۳,۱۶	۳,۱۰	نواوری
جهان	۲۳	۲۶	۶	۳۰	۴۷	۷۶	۵۹	۶۱	۶۸	-
منطقه	۲	۳	۱	۴	۵	۱۱	۶	۷	۱۰	-
ایران	قزاقستان	مصر	لبنان	گرجستان	سوریه	ارمنستان	تاجیکستان	قرقیزستان	پاکستان	متوسط
امتیاز	۳,۳۴	۳,۴۸	۳,۴۱	۲,۹۰	۲,۹۷	۲,۹۸	۲,۹۶	۲,۵۸	۳,۳۸	نواوری
جهان	۸۲	۶۸	۷۴	۱۲۱	۱۱۵	۱۱۴	۱۱۸	۱۳۷	۷۶	-
منطقه	۱۴	۱۱	۱۲	۱۹	۱۷	۱۶	۱۸	۲۰	۱۳	-
امتیاز	۳,۵۶	۳,۴۷	۳,۹۸	۴,۱۶	۳,۲۹	۳,۴۵	۳,۳۳	۳,۱۳	۳,۷۳	تکامل تجاری
جهان	۹۱	۶۳	۵۳	۱۱۱	۱۰۳	۱۰۹	۱۲۶	۱۳۰	۷۹	-
منطقه	۱۴	۱۰	۷	۱۸	۱۶	۱۷	۱۹	۲۰	۱۳	-
امتیاز	۳,۱۱	۲,۸۱	۲,۹۷	۲,۶۵	۲,۵۱	۲,۴۹	۲,۶۳	۲,۷۹	۳,۰۳	نواوری
جهان	۶۶	۸۳	۱۱۲	۱۲۵	۱۲۸	۱۱۶	۱۰۳	۱۳۹	۷۵	-
منطقه	۸	۱۴	۱۳	۱۶	۱۸	۱۹	۱۷	۲۰	۱۲	-

اگرچه ایران با کسب امتیاز ۳/۱۱ جایگاه ۶۶ جهان و ۸ منطقه را از نظر مؤلفه نوآوری در اختیار دارد، ولی از نظر مؤلفه آمادگی فناورانه با امتیاز ۳/۱۹ جایگاه ۹۶ جهان و ۱۴ منطقه را به خود اختصاص داده است. این بدان معناست که گرچه امکان ایجاد نوآوری به‌طور نسبی برقرار بوده است، ولی زمینه برای استفاده از این نوآوری‌های فراهم نیست. به عبارت دیگر، نوآوری‌های محققان و نوآوران متناسب با نیازهای بخش تولیدی نبوده تا این بخش بتواند با بهره‌گیری از این فرصت‌ها به تولید خود رونق داده و فعالیت تولیدی خود را گسترش دهد. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این امر انحراف قیمت‌های نسبی بوده است که باعث شده قیمت استفاده از نوآوری‌ها بالا رفته و انگیزه تولیدکنندگان را برای استفاده از این فرصت‌های جدید کاهش دهد. از سوی دیگر، کم‌رنگ بودن ارتباط بین بخش‌های مختلف تولیدی با بخش‌های آموزشی و پژوهشی می‌تواند دلیل دیگر این وضعیت باشد. همچنین انجام فعالیت‌های نوآورانه در موضوعات با ارزش‌فزوده پایین و هزینه‌های بالا که مورد نیاز و استفاده کنونی جامعه نیست هم به این امر دامن زده است، چراکه بالا بردن سطح نوآوری در یک اقتصاد به معنی انجام سرمایه‌گذاری در برخی صنایع بسیار سنگین که هنوز زیرساخت‌ها برای استفاده از آن‌ها مهیا نشده است، نیست و اتخاذ این سیاست‌ها تنها به خلق نوآوری منجر می‌شود، بدون این‌که امکان استفاده از آن نوآوری‌ها برای بنگاه‌های تولیدی وجود داشته باشد. البته ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که گرچه ایران در مؤلفه نوآوری در مقایسه با برخی مؤلفه‌های دیگر اثرگذار بر قدرت رقابت‌پذیری، وضعیت بهتری دارد،

ولی حتی این مؤلفه نیز نیازمند توجه جدی است و نباید از آن غفلت کرد. ایران می‌تواند با وضع قوانین حمایتی از مؤلفان و مبتکران در جهت صیانت از حقوق مادی و معنوی آثار ارائه‌شده و استفاده از نیروهای آموزش‌دیده و کارشناس در کنار اصلاح سیاست‌های آموزشی و پژوهشی و هماهنگ کردن این سیاست‌های با سیاست‌های کلان اقتصادی بستر را برای ایجاد و گسترش بازار مؤلفه‌های دانش به‌ویژه سرمایه‌انسانی و تحقیق و توسعه مهیا کند.

در انتها و در جمع‌بندی باید اشاره کرد، با توجه به این که از میان کشورهای منطقه در میان ۱۳۹ کشور مورد بررسی گزارش رقابت‌پذیری جهانی سال ۲۰۱۱ مجمع جهانی اقتصاد، هیچ کشوری با رتبهٔ تک‌رقمی وجود ندارد و تنها قطر رتبهٔ زیر ۲۰ را دارد، بنابراین جهت‌گیری هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ایران باید فراتر از کشورهای منطقه باشد، چراکه حتی دستیابی به جایگاه نخست منطقه در افق ۱۴۰۴ تضمین‌کنندهٔ قدرت رقابت‌پذیری بالایی در سطح جهان نیست. از سوی دیگر، در طی سال‌های سند چشم‌انداز سایر کشورها نیز در راستای افزایش قدرت رقابت‌پذیری خود برنامه‌ریزی کرده و گام خواهند برداشت. دستیابی به قدرت اول منطقه به لحاظ رقابت‌پذیری، مستلزم توجه جدی‌تر به متغیرهای کارایی‌محور و نوآوری‌محور است، چراکه هرچند در ایران مشکل و مانع اصلی افزایش قدرت رقابت‌پذیری ناشی از فقدان نوآوری در محصولات تولیدی و عدم کارایی بازارهاست، ولی این موضوعات در اقتصاد جهانی و در بین کشورهای برتر جهان در زمینهٔ رقابت‌پذیری حل شده است. به‌علاوه، باید در تحلیل‌ها به این نکته توجه کرد که ایران کشوری نفتی محسوب می‌شود و اگر در سطح جهان نیز قدرت رقابت‌پذیری دارد، قسمت بیشتر آن وابسته به منابع و درآمدهای ناشی از تولید و صادرات نفت است. اگر به جداول ۳، ۴ و ۵ مراجعه شود این موضوع را به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد. در بین مؤلفه‌های ۳ گانهٔ اثرگذار بر رقابت‌پذیری، بهترین رتبهٔ جهانی ایران در مؤلفهٔ منابع‌محور با رتبهٔ ۶۳ است و در مقابل مؤلفهٔ کارایی‌محور برای ایران مانع اصلی محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای که ایران در بین ۱۳۹ کشور گزارش سال ۲۰۱۱ رتبهٔ ۹۰ را دارد که بسیار تأمل‌برانگیز است! از این‌رو، در ایران که درآمدهای نفتی فراوانی وجود دارد باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که از این درآمدها برای کمک به سایر مؤلفه‌ها و به‌ویژه مؤلفه‌های کارایی‌محور استفاده شود. چراکه در دنیای امروز که دانش فنی و تحولات فناورانه نقش اصلی را در افزایش قدرت رقابت‌پذیری کشورها ایفا می‌کند، اتکا به منابع و استوار کردن رقابت‌پذیری بر مبنای منابع راهگشا نخواهد بود و باید به سمت ارتقای کارایی در بازارهای مختلف و بهبود سطح نوآوری حرکت کرد. برای درک بهتر این مطلب به نمودارهای تار عنکبوتی ایران و ۵ کشور برتر در زمینهٔ رقابت‌پذیری در قسمت پیوست‌ها مراجعه شود.

در نهایت باید به خاطر داشت، هرچند تاکنون فقط ۶ سال از ابلاغ سند نهایی چشم‌انداز ۲۰ سالهٔ جمهوری اسلامی ایران گذشته و هنوز بیش از نیمی از آن برای تحقق بندهایش فرصت باقی مانده است، ولی نباید از یاد برد که سال‌های باقیمانده نیز به‌سرعت سال‌های سپری‌شده، خواهند گذشت و در صورت نداشتن سیاست‌های هماهنگ و جامع آنچه در انتها خواهد ماند چیزی جز حسرت و پشیمانی نیست.

چالش‌ها و فرصت‌ها

اقتصاد ایران نیز همانند هر کشور دیگری نکات مثبت و منفی بسیاری دارد که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان فرصت‌ها و چالش‌ها به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱. فرصت‌ها

دارا بودن موقعیت سیاسی و جغرافیایی، ژئواکونومیک مناسب برای ایفای نقش پررنگ در منطقه و در بین کشورهای اسلامی در زمینه‌های گوناگون مانند بعد اقتصادی

وجود ذخایر غنی هیدروکربوری و داشتن منابع طبیعی عظیم و متنوع (جنگل‌ها، معادن، نفت و گاز)

بالا بودن سهم شاغلان باسواد از کل جمعیت فعال کشور

داشتن توانمندی بالا در زمینهٔ خلاقیت، سرمایه‌انسانی، به همراه وجود جمعیت تحصیلکرده و کارشناس

داشتن تنوع اقلیمی و بازار داخلی بزرگ به‌عنوان مزیتی در جهت استفاده از صرفه‌های ناشی از مقیاس

ثبات نسبی اوضاع کلان اقتصادی در کنار نرخ پس‌انداز ملی بالا

برخورداری از زیرساخت‌های فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی و قانونی

۲. چالش‌ها

بالا بودن قیمت تمام‌شده برخی از محصولات تولیدی و خدمات ارائه‌شده، در کنار پایین بودن کیفیت آن‌ها و در نتیجه ناتوانی محصولات داخلی در رقابت با محصولات مشابه خارجی وجود بازارهای انحصاری در داخل و فقدان توجه کافی به زیرساخت‌های لازم برای ارتقای توان رقابتی از قبیل فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان عامل کاهنده بهره‌وری و رقابت‌پذیری وابستگی زیاد به درآمدهای نفتی، آسیب‌پذیری اقتصاد ملی به‌واسطه نوسان‌های قیمت نفت و وجود نشانه‌های بیماری هلندی و نفرین منابع در اقتصاد ایران فقدان هماهنگی سیاست‌های تولیدی، صنعتی و تجاری با یکدیگر در راستای کمک به افزایش توان رقابتی کشور فقدان هماهنگی مابین سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های آموزشی - پژوهشی و نوآوری در راستای ایجاد مزیت‌های نسبی اکتسابی متناسب با روند اقتصاد جهانی فقدان هماهنگی لازم مابین سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری در کنار تعیین دستوری قیمت بازارهای آن‌ها و در نتیجه تخصیص غیربهبینه عوامل و انحراف قیمت‌های نسبی عوامل به زیان مؤلفه‌های دانش‌محور ناتوانی در بهره‌گیری مناسب از فعالیت‌های اقتصادی دارای مزیت نسبی و نهادهای تولید ارزان و گاهی تبدیل این مزیت‌ها به عدم مزیت به‌واسطه مدیریت ضعیف فقدان کارایی سیستم مالیاتی، توسعه‌نیافتگی و فقدان کارایی بازارهای مالی متناسب با ظرفیت‌های موجود و مشکلات نقدینگی و تأمین مالی پروژه‌های صنعتی فعالان تولیدی فقدان شکل‌گیری و گسترش بازار مؤلفه‌های دانش، ناتوانی در تجاری‌سازی فناوری‌های ایجادشده در کنار غفلت و کم‌توجهی از بحث بسیار مهم حقوق مالکیت به‌عنوان عاملی در جهت کاهش انگیزه مبتکران و نوآوران کمبود مراکز غیردولتی فعال در زمینه تحقیق و توسعه در کنار ناتوانی بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط برای ایجاد مراکز تحقیق و توسعه و استفاده از مزایای این مراکز به‌عنوان عامل قدیمی بودن محصولات تولیدی و پایین بودن سهم صادرات محصولات با فناوری بالا مشکلات ناشی از وجود قوانین و مقررات حجیم، متعدد، ناقص و گاهی قدیمی امر تولید و کسب و کار مانند قوانین کار، تأمین اجتماعی و مالیات‌ها به‌عنوان مانعی در جهت افزایش توان رقابت‌پذیری تعیین دستوری نرخ تسهیلات در کنار وجود روند اداری اعطای تسهیلات و میزان وثیقه‌ها به‌عنوان مانعی در جهت تخصیص و استفاده بهینه از تسهیلات بانکی

سخن آخر و راهکارها

امروزه رقابت‌پذیری به موضوعی تأمل‌برانگیز برای پژوهشگران و محققین اقتصادی تبدیل شده است و از آن به‌عنوان ابزاری در جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار و محرکی برای افزایش توان صادراتی کشورها نام برده می‌شود. در ایران نیز در سال‌های اخیر و با توجه به نگرش جدی‌تر به بحث تجارت خارجی و صادرات غیرنفتی، مفهوم و راه‌های افزایش توان رقابتی محصولات تولیدی به موضوعی مورد توجه تبدیل شده و در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه و نیز سند چشم‌انداز بر دستیابی به آن تأکید شده است. در مطالعه حاضر به بررسی مقایسه‌ای جایگاه رقابت‌پذیری ایران در بین ۲۰ کشور سند چشم‌انداز براساس گزارش رقابت‌پذیری جهانی سال ۲۰۱۱ مجمع جهانی اقتصاد پرداخته شد. ایران براساس مؤلفه‌های نیازهای اساسی، ارتقادهنده‌های کارایی و نوآوری با امتیازهای ۴/۵۸، ۳/۷۶ و ۳/۳۴ به ترتیب رتبه جهانی ۶۳، ۹۰ و ۸۲ و نیز رتبه منطقه‌ای ۱۰، ۱۴ و ۱۴ را از آن خود ساخته است. از لحاظ شاخص کلی رقابت‌پذیری ایران با امتیاز ۴/۱۴ رتبه منطقه‌ای ۱۱ و جهانی ۶۹ را دارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود کارا نبودن بازارهای مختلف در کنار فقدان نوآوری سبب شده است جایگاه فعلی ایران در بین کشورهای منطقه چندان مناسب نباشد. بنابراین اگر بر مبنای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای سطح نسبی درآمد سرانه و افزایش توان رقابتی کشور، هدف‌گیری شده است، باید اقداماتی اساسی توسط برنامه‌ریزان

و نهادهای تصمیم‌گیر همچون وزارت بازرگانی طرح‌ریزی و به مرحله اجرا درآورده شوند تا ضمن بهبود نقاط قوت و مزیت‌ها، چالش‌های موجود نیز تبدیل به فرصت شوند؛ مواردی مانند:

با توجه به این که وزارت بازرگانی متولی اصلی بحث تجارت خارجی در کشور بوده و در راستای تحقق اهدافش همچون تقویت زمینه‌های افزایش رقابت و کاهش انحصارها، رشد پایدار محصولات صادرات‌محور، حمایت از بخش خصوصی توانمند در حیطه صادرات غیرنفتی و حفظ قدرت رقابتی صادرکنندگان، به سیاستگذاران این وزارتخانه پیشنهاد می‌شود در شوراهای تصمیم‌گیر حضور فعال داشته باشند و در جهت تصویب قوانین تسهیل‌کننده رقابت در کشور تلاش کنند.

یکپارچگی و هماهنگی بین سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری اتخاذشده با سمت و سوی افزایش بهره‌وری و ارتقای سطح رقابت‌پذیری محصولات تولیدی

اصلاح و بازنگری در ساختارهای اقتصادی (خرد و کلان) در جهت افزایش انعطاف‌پذیری بخش‌های مختلف به‌ویژه بازار نیروی کار

حمایت از تنوع تولیدات صادراتی و دور شدن از وابستگی به درآمدهای ارزی ناشی از صادرات تک‌محصولی (نفت) و گسترش همکاری‌های تجاری با سایر کشورها

جذب فناوری‌های جدید و روش‌های تولید با بازده بالاتر در کنار توجه بیشتر به جنبه‌های تجاری این فناوری‌ها به‌ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات

اتخاذ سیاست‌های تشویقی برای بخش خصوصی به‌منظور جذب نیروی کار تحصیلکرده، به‌ویژه در فعالیت‌های مرتبط با رشته تحصیلی در کنار بها دادن به آموزش‌های حین خدمت برای افزایش دانش فنی و بالا بردن سطح آگاهی نیروی کار

تدوین نظام ارزی مناسب و سازگار با وضعیت اقتصادی کشور، شفافیت در بازار ارز و مدیریت نوسانات در این بازار و نیز رعایت تناسب سیاست‌های ارزی با سایر سیاست‌های اقتصادی

اختصاص بخشی از ذخایر صندوق توسعه ملی به بخش تولید - تجاری در جهت خلق و یا بومی‌سازی فناوری‌های نوین و کاربردی در کنار ارائه مشوق‌های صادراتی هدفمند و با برنامه

ایجاد فضای رقابتی و انعطاف‌پذیری در بازار کار از طریق گسترش اطلاعات در بازار کار به منظور افزایش سرعت جابه‌جایی نیروی کار

طراحی و استقرار نظام ملی فناوری و نوآوری در جهت حمایت از تولید و صادرات محصولات مبتنی بر فناوری و نوآوری در کنار هدایت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تسهیلات مالی خارجی در جهت گسترش فناوری جدید ضمن وضع قوانین حمایت از حقوق مالکیت مادی و معنوی محققان، مخترعان و مؤلفان.

ارتقای کمی و کیفی بازارهای مالی (سرمایه، پول و بیمه) با تأکید بر کارایی، شفافیت، سلامت و استفاده از فناوری‌های جدید در این بازار

منابع

۱. شاه‌آبادی، ا. صادقی، ح، اسفند ۱۳۸۹، چشم‌انداز رقابت‌پذیری در کشورهای اسلامی با تأکید بر متغیرهای کارایی، مجموعه مقالات نخستین همایش منطقه‌ای اقتصاد و مدیریت، دانشگاه پیام‌نور واحد میانه، ایران.
۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴-۱۳۹۰.
۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸-۱۳۸۴.
۴. مجمع تشخیص مصلحت نظام، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴.
۵. وزارت بازرگانی، معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، آبان ۱۳۸۷، برنامه پنجم توسعه در حوزه رقابت‌پذیری.

۶. وزارت بازرگانی، معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، تیر ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر بهبود بهره‌وری و کیفیت و افزایش توان رقابت.

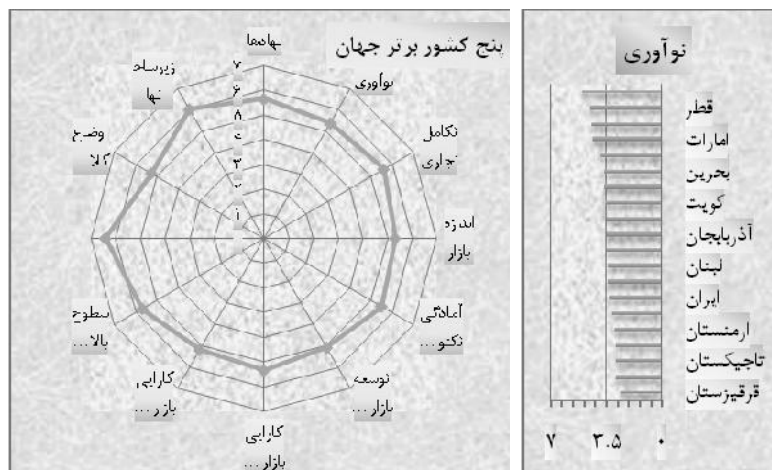
۷. وزارت بازرگانی، معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، فروردین ۱۳۸۴، مروری بر سیر تکوین اندیشه رقابت‌مندی و شاخص‌های اندازه‌گیری آن.

8. World Economic Forum, 2010, "The Global Competitiveness Report 2010-2011".

پیوست‌ها



نمودار ۱. نمودارهای مؤلفه‌های ۳ گانه رقابت‌پذیری در کشورهای منطقه مورد اشاره در سند چشم‌انداز



نمودار ۲. نمودار تار عنکبوتی شاخص‌های ۱۲ گانه رقابت‌پذیری ایران و ۵ کشور برتر جهان (۲۰۱۱)

پی‌نوشت‌ها

1. Institutions.
2. Infrastructure.
3. Macroeconomic Environment.
4. Health and Primary Education.
5. Higher Education and Training.
6. Goods Market Efficiency.
7. Labor Market Efficiency.
8. Financial Market Development.
9. Venture Capital.
10. Technological Readiness.
11. Information and Communication Technologies.
12. Market Size.
13. Business Sophistication.
14. Innovation.

